



Migration and Development: Benefits of International Migration for Origin Countries

Ali Sharifi^{1*}, Rouholah Shahnazi²

1. PhD Candidate in Sociology, Department of Sociology and Social planning, Faculty of Economics Management and Social Science. Shiraz University, Shiraz, Iran (Corresponding Author); sharifiali462@gmail.com
- 2- Associate Professor, Department of Economic, Faculty of Economics, Management and Social Science, Shiraz University, Shiraz, Iran; rshahnazi@shirazu.ac.ir

Review Article

Abstract

Background and Aim: Migration has been a historical phenomenon that reflects and affects social changes in societies. In recent decades, the growing scale and complexity of international migration have raised concerns among policymakers and planners in developing (or migrant-sending) countries, who face the challenges of human capital loss and development delay in their own countries. This study examines the question of whether these migrations can be seen as a facilitator of development course or as a reducer of human capital in the long run for the countries of origin?

Methods and Data: The present study is a narrative review that analyzes relevant literature from 2000 to 2022 using a descriptive-analytical approach.

Findings: Results show that international migration follows have individual and collective benefits for migrants, their families, and their origin countries. Depending on how the capacities of the migrants are utilized, these migrations may also have negative impacts or challenges for development. In other word, as literature suggests, international migration does not necessarily reduce human capital, but depending on the way of using its capacities, it can facilitate development for the origin countries.

Conclusion: The phenomenon of international migration, which reflects the freedom of choice and the common right of individuals and communities to benefit from this option in their lives, requires careful attention from policymakers and planners. Governments should adopt policies that increase the benefits and reduce the risks of migration for their communities.

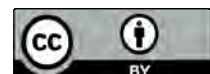
Keywords: International migration, Development, Economic benefits of migration, Social benefits of migration, Origin countries

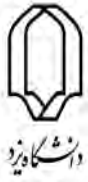
Key Message: Governments of migration-sending countries should change their attitude towards international migration from a merely threat to a possible opportunity in their population planning and take necessary steps to benefit from the potentials of these immigrants in the direction of their own country's development.

Received: 02 March 2023

Accepted: 27 May 2023

Citation: Sharifi, A., & Shahnazi, R. (2023). Immigration and Development: Benefits of International Migration for Origin Countries. *Journal of Social Continuity and Change*, 2(2), 307-337.
<https://www.doi.org/10.22034/JSCC.2023.19871.1075>





مهاجرت و توسعه: آورده‌های مهاجرت‌های بین‌المللی برای کشورهای مبدأ

علی شریفی^{۱*}، روح‌اله شهنازی^۲

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، بخش جامعه‌شناسی، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (نویسنده مسئول)؛

sharifiali462@gmail.com

۲- دانشیار اقتصاد، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران؛ rshahnazi@shirazu.ac.ir

مقاله مروری

چکیده

زمینه و هدف: در طول تاریخ جامعه بشری، پدیده مهاجرت هم شکل‌دهنده به تغییرات اجتماعی و هم جزء نتایج و پیامدهای برآمده از تغییرات اجتماعی بوده است؛ در دهه‌های اخیر، افزایش مهاجرت‌ها در مقیاس بین‌المللی، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان کشورهای در حال توسعه و مهاجرپرست را نگران کاهش سرمایه‌های انسانی و به تأخیر افتادن فرآیند توسعه کرده است. برای پاسخ به این نگرانی باید بررسی کرد که در بلندمدت این مهاجرت‌ها را می‌توان تسهیل‌گر مسیر توسعه و یا کاهنده سرمایه‌های انسانی کشورهای مبدأ دانست؟

روش و داده‌ها: نظر به کلان‌بودن موضوع، پژوهش حاضر از نوع مطالعات مروری روایتی بوده که با انتخاب بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۲ میلادی و با رویکردی توصیفی-تحلیلی به بررسی مطالعات منتخب و متناسب با این موضوع، در ادبیات جهانی این حوزه پرداخته است.

یافته‌ها: بازخوانی ادبیات پژوهشی موجود نشان می‌دهد جریان مهاجرت‌های بین‌المللی نه تنها انتفاع فردی برای مهاجران و خانواده‌هایشان دارد بلکه، می‌تواند منافع متعددی نیز برای کشورهای مبدأ به ارمغان آورد. لذا به نظر می‌رسد که این مهاجرت‌ها برای کشورهای مبدأ، بیش از آن که کاهنده سرمایه‌های انسانی باشند، منوط به شیوه بهره‌گیری از ظرفیت‌های آن، بتواند تسهیل‌گر مسیر توسعه باشد. البته در مواردی نیز این مهاجرت‌ها ممکن است همراه با تبعاتی برای مهاجران و کشورهایشان باشد به طوری که سطوح توسعه مورد نظر را با تهدید روبرو کرده و یا به تعویق اندازد.

بحث و نتیجه‌گیری: آنچه هویداست لزوم توجه به پدیده مهاجرت بین‌المللی به‌عنوان مصداقی از آزادی انتخاب و حق انتفاع افراد و اجتماعات از این گزینه و مزایای آن در مسیر زندگی خویش است. دولت‌ها باید سیاست‌هایی را دنبال کنند که مخاطرات مهاجرت‌ها را کاهش و منافع آن را افزایش دهند. با توجه به یافته‌های مقاله، تشکیل «سازمان ملی مهاجرت» به منظور مدیریت مهاجرت‌های بین‌المللی در جهت ارتقای توسعه کشور پیشنهاد شده است.

واژگان کلیدی: مهاجرت بین‌المللی، توسعه، منافع اقتصادی مهاجرت، منافع اجتماعی مهاجرت، کشورهای مبدأ

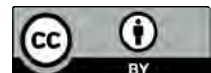
پیام اصلی: دولت‌ها می‌بایست در برنامه‌ریزی‌های جمعیتی، نگرش به مهاجرت‌های بین‌المللی را از تهدید به فرصت تغییر داده و با برنامه‌ریزی برای بهره‌مندی از توانمندی‌های این مهاجران در راستای توسعه کشور گام بردارند.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۳

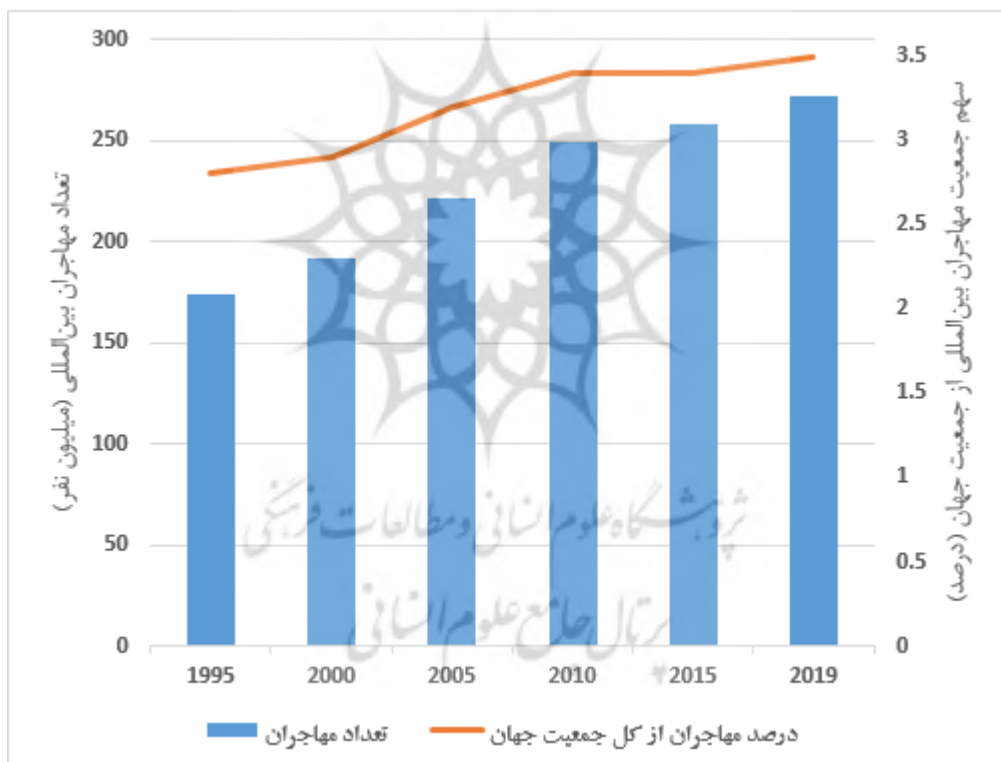
ارجاع: شریفی، علی و شهنازی، روح‌اله (۱۴۰۲). مهاجرت و توسعه: آورده‌های مهاجرت‌های بین‌المللی برای کشورهای مبدأ. *تداوم و تغییر اجتماعی*، ۲(۲)،

<https://www.doi.org/10.22034/JSCC.2023.19871.1075>. ۳۰۷-۳۳۷



مقدمه و بیان مسأله

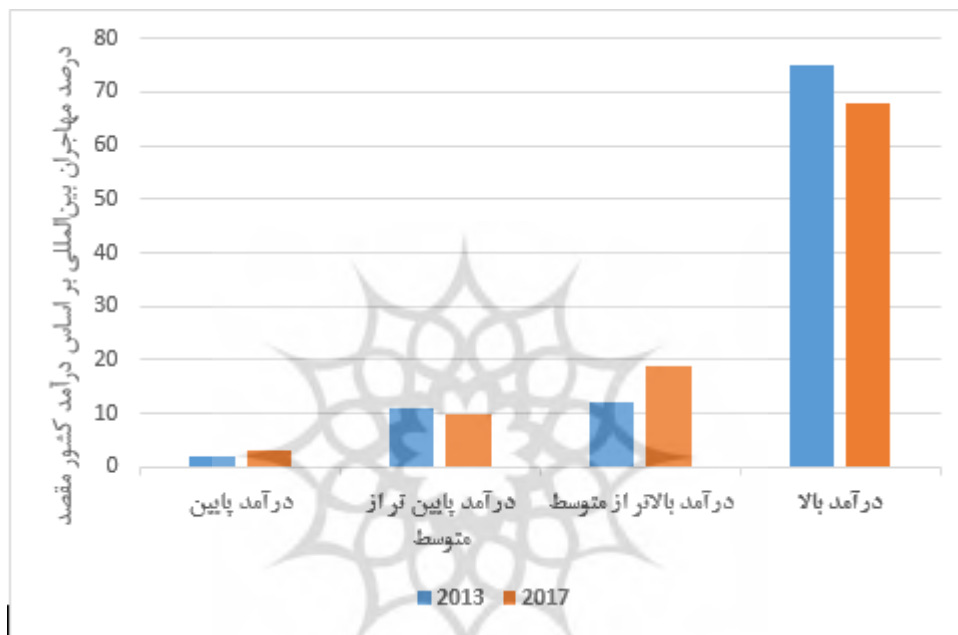
پدیده مهاجرت از ابتدای تاریخ همزاد بشر بوده است و از شکل اولیه آن به‌عنوان اضطراری برای بقا تا شکل‌های امروزی آن در قالب تلاشی برای ایجاد رفاه و ارتقاء معیشت، تکامل یافته است. مهاجرت یکی از پدیده‌های اجتماعی روز در جهان است، که در تمام جوامع اعم از توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته دیده می‌شود (شریفی و زارع شاه‌آبادی، ۱۳۹۷). در دنیای جهانی شده امروز که از ویژگی‌های آن کم‌رنگ شدن مرزهای ملی است، مهاجرت‌های بین‌المللی فزونی یافته و جوامع و ملت‌های مختلف را بیش از پیش دستخوش تحرک کرده است. همان‌طور که در شکل (۱) مشخص شده، در سال ۱۹۹۵ تعداد مهاجران بین‌المللی یعنی افرادی که در کشوری غیر از کشور محل تولد خود ساکن بوده‌اند برابر ۱۷۴ میلیون نفر، در سال ۲۰۰۵ برابر ۲۲۱ میلیون نفر و در سال ۲۰۱۹ نیز ۲۷۲ میلیون نفر بوده است. بر این اساس، سهم جمعیت مهاجر از کل جمعیت جهان طی ۲۵ سال اخیر با ۲۵ درصد افزایش از ۲.۸ به ۳.۵ درصد رسیده است. ۵۲ درصد این مهاجران را مردان و ۴۸ درصد را زنان تشکیل داده و حدود ۷۰ درصد آن‌ها نیز در سنین ۲۰ تا ۵۹ سال یعنی سنین کار و فعالیت قرار داشته‌اند (IOM¹, 2020).



شکل ۱- کلیاتی از وضعیت مهاجرت بین‌المللی (IOM 2020; UN DESA 2021)

¹. International Organization for Migration

در شکل ۲ نیز سهم مهاجران بر اساس سطح درآمد کشور مقصد مشخص شده است. اطلاعات نشان می‌دهد عمده مهاجران، کشورهای با سطح درآمد بالا را انتخاب کرده‌اند؛ و در کل بیش از ۸۵ درصد مهاجران بین‌المللی به کشورهای با درآمد بالاتر از متوسط و درآمد بالا مهاجرت کرده‌اند. با توجه به داده‌های سازمان جهانی مهاجرت (McAuliffe and James, 2019)، در کشورهایی مانند کانادا، استرالیا، عربستان و امارات بیش از ۲۰ درصد جمعیت ساکن مهاجران خارجی بوده و در امریکای شمالی و اروپا نیز بالای ۱۰ درصد جمعیت ساکن، مهاجران خارجی هستند. این نرخ در عموم کشورهای آسیایی، آفریقایی و امریکای جنوبی زیر ۵ درصد است. قابل ذکر است که با توجه به گسترش بیماری کرونا نرخ رشد تعداد مهاجران در سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ تغییر یافته و در نتیجه درصد مهاجران از کل جمعیت دنیا کمی کاهش یافته است (UN DESA, 2021).



شکل ۲- سهم مهاجران بر اساس سطح درآمد کشور مقصد (IOM, 2019)

جابجایی انسان‌ها و رای مرزهای بین‌المللی، پیامدهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی قابل توجهی، هم در مبدأ و هم در مقصد، به دنبال دارد. گرچه در مواردی ممکن است مخاطراتی در انتظار مهاجران و کشورهایشان باشد. اما از آنجا که چشم‌اندازهای اقتصادی، تحصیل، نابرابری، خشونت، جنگ و یا عوامل طبیعی می‌توانند از عوامل مهاجرت باشند؛ مهاجرت می‌تواند به انحای مختلف منافی را برای مهاجران، خانواده‌هایشان و کشورهایشان فراهم آورد. این دسته از مهاجرت‌ها می‌توانند باعث کاهش بیکاری و فقر شوند و توسعه اقتصادی و اجتماعی را در کشورهای مبدأ گسترش دهند. بنابه گزارش بانک جهانی (۲۰۱۶) میزان وجوه ارسالی مهاجران به کشورهای با درآمد متوسط و پایین در سال ۱۹۹۰، حدود ۲۹ میلیارد دلار آمریکا بوده است که این مقدار در سال ۲۰۰۰ به بیش از دو برابر یعنی ۷۴ میلیارد دلار آمریکا و در سال ۲۰۱۶ نیز به بیش از ۱۴ برابر یعنی ۴۲۹ میلیارد دلار آمریکا رسیده است. در سال ۲۰۱۸ حجم وجوه ارسالی

نقدی بین‌المللی به کشورهای با درآمد پایین و درآمد متوسط بیش از سه برابر میزان کمک‌های رسمی توسعه‌ای^۱ به این کشورها بوده است (World Bank, 2016). به‌طور مثال دستمزدهایی که مهاجران در خارج از کشور به دست می‌آورند می‌تواند چند برابر آنچه باشد که در کشور خود می‌گیرند (Clemens et al, 2008).

اگر خانواده‌های مهاجران در کشور میزبان باشند، افزایش درآمد مهاجران می‌تواند به‌طور مستقیم منجر ارتقای توسعه انسانی و وضعیت رفاهی خانواده‌ها شود و اگر خانواده‌ها در کشور مبدأ باشند نیز این مهم از طریق وجوه ارسالی نقدی^۲ صورت می‌پذیرد. البته باید توجه داشت که آورده‌های مهاجرت برای مهاجران، خانواده‌های‌شان و حتی کشورهای‌شان، فراتر از منافع اقتصادی است. چنین آورده‌هایی همچنین می‌توانند شامل ابعاد دیگر توسعه انسانی از جمله تحصیلات و سلامت، و یا آورده‌های اجتماعی^۳ باشند. به‌طور مثال، بنا به گزارش اخیر بانک جهانی مهاجران کشورهای فقیر پس از مهاجرت به کشورهای توسعه‌یافته به‌طور میانگین افزایش ۱۵ برابری درآمد، نرخ دو برابری ثبت نام در مدرسه و کاهش ۱۶ برابری در مرگ و میر کودکان را تجربه کرده‌اند (World Bank, 2016).

مهاجرت همچنین می‌تواند باعث انتقال ایده‌ها، مهارت‌ها، دانش و تکنولوژی و به دنبال آن تأثیر مثبت بر بهره‌وری و رشد اقتصادی شود. یعنی علاوه بر اثرات اقتصادی، مهاجرت‌های خارجی می‌توانند آورده‌های اجتماعی نیز به دنبال داشته باشند. از جمله، زنانی که جلوه‌های حقوق و توانمندی را در خارج از کشور تجربه می‌کنند، «ایده‌ها، مهارت‌ها و دانش» را نیز به کشور خود ارسال می‌کنند. این‌ها می‌توانند باعث ارتقای برابری، احترام به حقوق بشر و توسعه اقتصادی-اجتماعی در کشورهای مبدأ شوند. چنین وجوه اجتماعی، نگاه خانواده‌ها و جوامع محلی به نقش زنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. زنان تعریف جدیدی از مؤنث‌بودن به جامعه خود ارائه می‌دهند. باید پذیرفت که مهاجرت یکی از راه‌هایی است که هم زنان و هم مردان مهاجر می‌توانند با دستیابی به منابعی که در کشورهای خود به آن دسترسی ندارند، وضعیت خود را ارتقا دهند. اگرچه مهاجرت‌های مستقل فزاینده زنان، ممکن است منافع متفاوتی را، به نسبت مردان، برای آن‌ها به ارمغان آورد (Hondagneu-Sotelo, 1994 and Pedraza, 1991). دولت‌ها باید سیاست‌هایی را دنبال کنند که مخاطرات مهاجرت را کاهش و منافع آن را افزایش دهند. سیاست‌هایی که به دنبال کنترل یا محدود کردن تحرک‌های جمعیتی هستند ارتقا دهنده توسعه نخواهند بود (Skeldon, 2004: 178 and De Haas, 2005) به احتمال زیاد مهاجرت برای اکثر آن‌هایی که مهاجرت می‌کنند مسیری به سوی توانمندی است.

در این نوشتار با مروری بر ادبیات و گزارش‌های سازمان‌های جهانی در حوزه پیامدهای مهاجرت‌های بین‌المللی در کشورهای مبدأ، به دنبال پاسخ به این سؤالات هستیم که مهاجرت‌های بین‌المللی چه آورده‌هایی را برای مهاجران، خانواده‌ها و کشورهای‌شان می‌توانند به دنبال داشته باشند؟ آیا این آورده‌ها تنها شکل اقتصادی داشته و به صورت انتقال پول از کشوری به کشور دیگر محدود می‌شوند؟ آیا این آورده‌ها را می‌توان به بسترهای اجتماعی یا فرهنگی نیز ارجاع داد؟ و به‌عنوان سؤال اصلی، در بلند مدت این مهاجرت‌ها را می‌توان تسهیل‌گر مسیر توسعه، و یا کاهنده سرمایه‌های انسانی و نیروهای ماهر کشورهای مبدأ دانست؟

دستاوردهای اصلی این تحقیق، تعیین آورده‌های مهاجرت‌های بین‌المللی برای مهاجران، خانواده‌ها و کشورهای‌شان به تفکیک آورده‌های اقتصادی و غیراقتصادی است. گرچه بسیاری بر این باورند که مهاجرت این نیروها باعث از دست رفتن سرمایه انسانی کشورهای در حال توسعه شده و در بلند مدت توسعه اقتصادی و اجتماعی این کشورها را به تأخیر می‌اندازد؛ ولی در این مقاله نشان داده شده است که در بسیاری از موارد بسترهای اقتصادی و اجتماعی کشورهای مبدأ، توان جذب همه نیروهای متخصص داخلی را ندارند و

1. Official Development Assistance

2. Remittance

3. Social remittance

میزان‌های بیکاری بالا و یا اشتغال با کیفیت پایین از یکسو، و نارضایتی‌های اجتماعی و سیاسی از سوی دیگر باعث هدر رفت مهارت‌ها و توانمندی‌های آنان می‌شود.

از طرفی نشان داده شد که مهاجرت‌های بین‌المللی می‌توانند باعث افزایش درآمد سرانه افراد شده و از طریق ارسال وجوه نقدی و یا انتقال دانش و تکنولوژی باعث تسریع روند توسعه در کشورهای مبدأ شوند که لحاظ این نتایج در برنامه‌ریزی‌های جمعیتی سبب تغییر نگرش به مهاجرت بین‌المللی از تهدید به یک فرصت شده و با تغییر رویکرد برنامه‌ریزی‌های جمعیتی می‌توان از این فرصت استفاده کرد؛ زیرا در صورتی که برنامه‌ریز جمعیتی به مهاجرت‌های بین‌المللی به‌عنوان فرار مغزها بنگرد، در آن صورت قبل از مهاجرت سیاست‌های کنترلی جلوگیری از مهاجرت یا سیاست‌های ترویجی و آموزشی ضد مهاجرت به کار گرفته می‌شود، و بعد از مهاجرت نیز کاملاً آنفعالی عمل شده و مهاجر به‌عنوان یک فرار مغز و از دست رفته تلقی می‌شود. حال اگر تغییر نگرش ایجاد شده و مهاجر بین‌المللی به‌عنوان یک فرصت برای کشور به حساب آید که می‌تواند دستاوردهای اقتصادی و غیراقتصادی برای کشور بعد از مهاجرت داشته باشد، در آن صورت قبل از مهاجرت، برنامه‌ریز جمعیتی با دید مثبت به مهاجرت نگاه کرده و پس از مهاجرت به صورت فعال برنامه‌ریزی‌های گسترده برای جذب هرچه بیشتر منافع و سرریزهای فرد مهاجر به کشور خواهد داشت.

در انتهای مقاله بر اساس دستاوردهای تحقیق پیشنهاد شده است که یک سازمان ملی مهاجران ایرانی با وظیفه اصلی «سیاست‌گذاری، راهبری، برنامه‌ریزی، نظارت و ساماندهی امور اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مهاجران ایرانی در سایر کشورهای جهان» با هدف کلان بهره‌گیری فعال از توانمندی و تعیین نقش برای ایرانیان خارج از کشور در راستای توسعه کشور تشکیل شود.

روش و داده‌های تحقیق

نظر به کلان‌بودن موضوع مورد بحث، این پژوهش مبتنی بر روش مروری روایتی و حاصل تعمق و نقد نگارندگان بر مطالعات قبلی بوده و با توجه به ماهیت تحقیق، روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است. بازخوانی، جمع‌بندی و تلخیص این پژوهش‌ها برای استفاده پژوهشگران، سیاستگذاران و برنامه‌ریزان مفید به نظر می‌رسد. در مطالعه حاضر با رویکردی توصیفی-تحلیلی به بررسی مقالات منتخب قابل دسترس داخلی و خارجی و همچنین اسناد و مدارک سازمان‌های جهانی همچون سازمان جهانی مهاجرت، سازمان ملل و بخش‌های زیر مجموعه آن پرداخته شده است تا آورده‌های مهاجرت‌های بین‌المللی برای کشورهای مبدأ و تأثیرات آن‌ها بر توسعه این کشورها چه در سطح خرد و چه در سطح کلان مورد بررسی قرار گیرند.

در این مقاله جهت گزینش مقالات مرتبط با بحث از پایگاه‌های داده‌ای Google scholar و Web of science استفاده شده است. ابتدا واژگان مرتبط در Google scholar جستجو و با مطالعه منابع مرتبط حاصل از جستجو چارچوب اولیه‌ای از کار بدست آمد. سپس با انجام جستجوی پیشرفته رشته کلیدواژه

(Title) ((international migr*) and ((remittance) or (benefit*) or (development*) or (brain drain) or (brain waste)))

در Web of science در بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۲، به این دلیل که غالب منابع مرتبط با مطالعات مهاجرت در سال‌های بعد از ۲۰۰۰ میلادی انتشار یافته‌اند، تعداد ۱۱۵ مقاله بدست آمد. در ادامه با مطالعه عناوین و چکیده این مقالات نیز مطالعات مرتبط انتخاب و بررسی شدند. در نهایت، ساختار مقاله مبتنی بر ۹۳ منبع مشتمل بر ۴ مطالعه فارسی، ۸۴ مطالعه انگلیسی و ۹ وبسایت اینترنتی حول دو

محور: ۱) مهاجرت‌های بین‌المللی و توسعه، با زیربخش‌های آورده‌های اقتصادی مهاجرت‌های بین‌المللی و آورده‌های اجتماعی مهاجرت‌های بین‌المللی؛ و ۲) مهاجرت‌های بین‌المللی؛ فرار مغزها یا ارتقای مغزها؟، شکل یافته و به اشباع رسید.

یافته‌ها

۱) مهاجرت‌های بین‌المللی و توسعه

می‌توان این سؤال را مطرح کرد که به واسطهٔ تحرکات انسانی چه منابعی به وجود می‌آیند و چگونه این منابع، توسعه را چه در سطح فردی و چه در سطح ملی تحت تأثیر قرار می‌دهند؟ در رابطه با تأثیرات مهاجرت و توسعهٔ رویکردهای خوش‌بینانه و بدبینانه‌ای وجود دارد. از نگاه خوش‌بینانه، برخی بر نقش مهاجرت‌ها در نوسازی اقتصادی و اجتماعی کشورهای مبدأ تأکید دارند و برخی نیز انتقال نیروی کار ارزان از کشورهای کمتر توسعه‌یافته به کشورهای توسعه‌یافته را عامل تشدید نابرابری‌ها در مقیاس جهانی می‌دانند.

از جمله نظریات جهانی‌شدن بر این باور هستند که دستاورد اصلی جهانی‌شدن، تبادل اطلاعات و کمرنگ‌شدن مرزهای ملی است و این مهم، این امکان را به افراد می‌دهد که به سمت مکان‌هایی که جاذبهٔ بیشتری دارند جذب شده و گزینه مهاجرت را انتخاب کنند. بی‌گبرورد^۱ معتقد است که اطلاعات فراهم آمده از رسانه‌های جمعی و جهانی‌شدن فرهنگی که برآمده از ایده‌های غربی یعنی مصرف، دانش و آزادی فردی است، سبب شده است که جوانان، گروه‌های به حاشیه رانده شده و افراد ناراضی، خصوصاً در کشورهای در حال توسعه به جهان غرب مهاجرت کنند (توکل و عرفان‌منش، ۱۳۹۳).

در دیدگاه وابستگی، مهاجرت نخبگان یعنی وابستگی کشورهای سنتی و در حال توسعه به کشورهای توسعه‌یافته؛ در دیدگاه نوسازی، مهاجرت نخبگان یعنی ضرورت تبعیت قشر نخبه و برگزیدهٔ جامعه به تولیدات صنعتی و ایده‌های نظری کشورهای مدرن مانند ایالات متحده آمریکا؛ در دیدگاه تقسیم کار نظام جهانی (والرشتاین^۲)، مهاجرت نخبگان یعنی حرکت افراد با استعداد و دارای توانایی علمی و تخصصی به سمت کشورهایی که در لایه‌های اصلی‌تر تقسیم کار جهانی، مرکزیت دارند و قطب علمی به حساب می‌آیند. همچنین دیدگاه ساختی مارکسیستی بر این عقیده استوار است که مهاجرت نیروی کار صنعتی و علمی از کشورهای در حال توسعه به سمت کشورهای توسعه‌یافته به دلیل «سیاست استثمار» از سوی کشورهای پیشرفته است. آن‌ها نیروی کار کشورها را جذب می‌کنند تا ضمن فقیر و محتاج کردن آن‌ها نسبت به کشورهای توسعه‌یافته، هزینهٔ کمتری برای کارمندان و نیروی متخصص بپردازند (توکل و عرفان‌منش، ۱۳۹۳). اگرچه به نظر می‌رسد که آرمان‌های افراد، فرصت‌ها و فقدان‌های موجود در کشورهای مبدأ تعیین می‌کنند که مهاجرت چه منابعی و احیاناً چه مضراتی را برای رفاه فرد، جامعه و یا کشور او به ارمغان آورد.

از نگاه اقتصادی مهاجرت را می‌توان پاسخی به مازاد نیروی بازار کار در کشورهای مبدأ و نیازمندی‌های بازار کار کشورهای مقصد دانست. به‌طور مثال در سال ۲۰۱۷ سهم زنان مهاجر بین‌المللی در اروپا ۵۲ درصد از کل مهاجران را تشکیل می‌دهد که غالب این مهاجرت‌ها برای انجام مشاغل تیمارداری از جمله پرستاری سالمندان و کودکان و همچنین پیشخدمتی در خانه زوج‌های هر دو شاغل انجام می‌شده است. همچنین در سال ۲۰۱۷ سهم مردان از مهاجرت‌های بین‌المللی در آسیا به ۷۳ درصد رسیده است که این افزایش غالباً به دلیل تقاضای قابل توجه برای مهاجران کارگر مرد در کشورهای نفت‌خیز آسیای غربی بوده است (UN DESA,³ 2018).

1. B. Gberorld

2. Wallerstein

3. United Nations Department of Economic and Social Affairs

در حالی که حرکت در مسیر توسعه می‌تواند مولد مهاجرت باشد، مهاجرت نیز می‌تواند با ایجاد تغییرات در بسترهای اقتصادی و اجتماعی تسهیل‌گر مسیر توسعه باشد. اجماع بر این است که مهاجرت را می‌توان به گونه‌ای مدیریت کرد که توسعه را ارتقا بخشد گرچه برخی، برنامه‌ریزی برای مهاجرت به‌عنوان نتیجه و نه دلیل توسعه را رویکرد سیاستی متعادل‌تری می‌دانند (Skldon, 2008).

رابطه دو سویه مهاجرت و توسعه را می‌توان بر محور رویکرد توسعه انسانی نیز تشریح کرد. این رویکرد، توسعه را شکوفایی هرچه بیشتر قابلیت‌های انسان‌ها همچون دانش، سلامتی و عزت نفس در نظر گرفته و آن را آنچه انسان‌ها قادرند و می‌توانند که در زندگی باشند، تعریف می‌کند (Sinatti and Alvarez Tinajero, 2011: 23). از این منظر انسان‌ها خود همچون معماران اقتصادی و پیشرفت اجتماعی، ایجادکنندگان توسعه و منتفعان آن در فرصت‌هایی همچون دستیابی به تحصیلات، اشتغال، و یا فرایندهای تصمیم‌سازی هستند. بر این اساس سهم مهاجران در توسعه نه‌تنها آورده‌های مالی بلکه آورده‌های اجتماعی همچون مهارت‌ها و دانش، ایده‌ها و ارزش‌ها نیز است.

جابجایی انسان‌ها را می‌توان موجد انواعی از سرمایه، از جمله سرمایه‌های اجتماعی، مالی، انسانی و فرهنگی در نظر گرفت. این سرمایه‌ها را می‌توان آورده اصلی مهاجران در دو سویه مهاجرت و توسعه دید. سرمایه اجتماعی مهاجران باعث ایجاد شبکه‌هایی می‌شود که جریان اطلاعات، مهارت‌ها، منابع اقتصادی، ارزش‌ها و ایده‌ها را به کشورهای مبدأ تسهیل می‌کند. سرمایه اجتماعی می‌تواند گروه‌های مختلفی از خانواده‌های مهاجران در مبدأ را به اجتماعات دایاسپورا و شبکه‌های اقتصادی و حتی مذهبی در کشورهای مقصد متصل کند (Faist and Fauser, 2011:16). در اینجا، منظور از سرمایه مالی مهاجران، وجوه ارسالی نقدی از سوی مهاجران به وابستگان‌شان در کشورهای مبدأ است. وجوه ارسالی نقدی، منبعی برای درآمد خانوارها بوده که می‌تواند در جهت رفع نیازهای اولیه خانواده و کاهش فقر، نیازهای سطوح بالاتر و افزایش مصرف، و حتی سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی مصرف شوند. از این‌رو، این وجوه ارسالی نقدی می‌تواند بر اقتصاد بومی تأثیر مثبت بگذارند. گرچه چنین وجوهی ممکن است اثرات سویی همچون افزایش مصرف‌گرایی، نابرابری‌های درآمدی بین خانوارهای دارای مهاجر و دیگر خانوارها نیز به همراه داشته باشند. مهارت‌ها و دانش مهاجران یا سرمایه انسانی نوع دیگری از سرمایه مهاجران در امر توسعه کشورهای‌شان است. به‌علاوه، سرمایه انسانی می‌تواند شامل شغل، مهارت‌های بین‌فردی و اعتماد به نفس فرد نیز باشد (Wescott and Brinkerhoff, 2006: 15).

در عین این‌که از یک زاویه، مهاجرت نیروهای ماهر می‌تواند فقدان برای کشورهای مبدأ باشند، از زاویه‌ای دیگر انتظار می‌رود که مهاجران ماهر با افزایش قابلیت‌های خود دستمزدهای بیشتری در خارج به دست آورند، باعث انتقال تکنولوژی به کشورهای خود شوند، و با اتصال به شبکه‌های ارتباطی و سرمایه‌گذاری پیشرفته، باعث ارتباط کشورهای خود به بازارهای جهانی شوند. تحرک انسان‌ها را ماهیتاً می‌توان مصداق قدرت انتخاب و آزادی نوع بشر دانست. مهاجران بین‌المللی می‌توانند در نتیجه دستیابی به ارزش‌ها و اندیشه‌های جدیدی چون دموکراسی، برابری و غیره که از آن به‌عنوان سرمایه فرهنگی یاد می‌شود، کیفیت زندگی خود را ارتقا دهند. مهاجران ممکن است با انتقال این ارزش‌ها و اندیشه‌ها به کشور خود از این سرمایه فرهنگی بهره‌برداری کنند. به‌ویژه اگر این مهاجرت‌ها در کشورهای با ساختارهای سیاسی-اجتماعی دارای انسداد انجام گیرند، ممکن است باعث ارتقای کیفیت زندگی در کشورهای مبدأ شوند (De Hass, 2009: 22-23).

در این نوشتار تمرکز بر مسیری است که مهاجرت‌های بین‌المللی می‌توانند در راستای مثبتی بر روند توسعه کشورهای مبدأ تأثیرگذار باشند. این هدف در دو بخش آورده‌های اقتصادی و آورده‌های اجتماعی پیگیری شده است.

۲) آورده‌های اقتصادی مهاجرت‌های بین‌المللی

شاید بتوان واضح‌ترین رابطه بین مهاجرت و توسعه را وجوه ارسالی نقدی به کشورهای مبدأ در نظر گرفت. سیدو^۱ و همکاران (۲۰۲۰) با مطالعه داده‌های ۷۷ کشور در حال توسعه تأثیر وجوه ارسالی بر توسعه را مثبت یافته‌اند. مسأله مهاجرت و وجوه ارسالی نقدی در دهه‌های اخیر توجهات زیادی را به خود جلب کرده است و باعث شکل‌گیری مطالعات مختلفی در ادبیات جهانی مهاجرت برای بررسی ابعاد مختلف این موضوع و به‌ویژه تأثیر این وجوه بر توسعه کشورهای فقیر شده است (De Haas, 2005, Bredl, 2011, Song and Liang, 2019). این وجوه تبدیل به دومین منبع تأمین مالی خارجی کشورهای در حال توسعه بعد از سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی^۲ شده‌اند (Aggarwal et al., 2011: 255). حجم وجوه ارسالی به کشورهای در حال توسعه در سال ۲۰۱۴ برابر ۴۳۶ میلیارد دلار، یعنی ۷۵ درصد حجم کل این وجوه در سطح جهان برآورد شده است که نسبت به سال قبل نیز ۴۴ درصد افزایش یافته است (World Bank, 2015). در سال ۲۰۱۸ حجم وجوه ارسالی نقدی بین‌المللی به کشورهای با درآمد پایین و درآمد متوسط بیش از سه برابر میزان کمک‌های رسمی توسعه‌ای^۳ به این کشورها بوده است (Migration Data Portal, 2019).

دستیابی به فهم بهتر پیامدهای اقتصادی این وجوه ارسالی به دو دلیل دارای اهمیت به نظر می‌رسد. اول، بنا به گزارش بانک جهانی میزان وجوه ارسالی مهاجران به کشورهای با درآمد متوسط و پایین در سال ۱۹۹۰، حدود ۲۹ میلیارد دلار آمریکا بوده است که این مقدار در سال ۲۰۰۰ به بیش از دو برابر یعنی ۷۴ میلیارد دلار آمریکا و در سال ۲۰۱۶ نیز به ۴۲۹ میلیارد دلار آمریکا رسیده است (World Bank, 2016). همان‌طور که دیده می‌شود حجم وجوه ارسالی از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۶ حدوداً ۶ برابر شده است. این در حالی است که جمعیت مهاجران بین‌المللی در این بازه زمانی از ۷۰ میلیون نفر به ۲۸۵ میلیون نفر (IOM, 2018) رسیده است؛ یعنی حدوداً ۴ برابر شده است. این روند، وجوه ارسالی را در بسیاری از کشورهای در حال توسعه تبدیل به دومین منبع تأمین مالی کرده است. در بعضی از این کشورها از جمله نپال، قرقیزستان و تاجیکستان حجم وجوه ارسالی نزدیک به ۳۰ درصد تولید ناخالص داخلی^۴ این کشورها را شامل می‌شود (PEW Research Center, 2018). دوم، علاوه بر این که جامعه هدف این وجوه ممکن است افراد نیازمند بوده و با هزینه در بخش‌های مصرفی خانوارها باعث کاهش فقر شوند؛ که در این صورت ممکن است تأثیر آن‌ها بر توسعه اقتصادی خنثی و یا حتی منفی باشد. این وجوه همچنین ممکن است به ایجاد تجارت‌های خرد، افزایش تحصیلات و فعالیت‌های کارآفرینانه منجر شوند و بنابراین به توسعه اقتصادی کشورهای مبدأ کمک کنند (Lim and Basnet, 2017; Piteli et al., 2019:2).

۲-۱) وجوه ارسالی؛ فقر و نابرابری

شاید مهم‌ترین اثر توسعه‌ای مهاجرت، تأثیر مستقیم آن بر سطوح درآمد و فقر در کشورهای مبدأ است. با نقل مکان نیروهای کار به مناطق تولیدی‌تر، مهاجران با دسترسی به بازارهای جهانی به‌طور مستقیم درآمد و عایدات خود را مطابق با بازار جهانی افزایش می‌دهند. به‌طور مثال، مطالعه‌ای در سال ۲۰۰۹ نشان می‌دهد که نسبت دستمزدهای کارگران (با ویژگی‌های مشابه) در آمریکا به‌طور میانگین ۴۱۱ برابر دستمزد کارگران در دیگر کشورهاست (Clemens et al., 2009). وجوه ارسالی نقدی به کشورهای مبدأ عموماً فقر را

1. Seidu

2. Foreign direct investment

3. Official Development Assistance

4. Gross Domestic Production

کاهش داده و توزیع درآمدها را تعدیل می‌کند. فهم بهتر تأثیر وجوه نقدی ارسالی بر توسعه مالی کشورها از طریق تأثیر آن بر کاهش فقر و افزایش رشد اقتصادی مشهود است (Cattaneo, 2009; Aggarwal et al., 2011).

حتی مطالعاتی نشان داده‌اند که تأثیر این وجوه بر کاهش فقر، در مقایسه با متغیرهای دیگر چشمگیرتر است. از جمله آزم^۱ و همکاران (۲۰۱۶) در مطالعه تجربی خود تأثیر وجوه ارسالی خارجی بر کاهش فقر را با تأثیر متغیرهای کمک‌های خارجی، وام‌های خارجی، سرمایه انسانی، تورم و درآمد در ۳۹ کشور مشتمل بر کشورهای با درآمد پایین، درآمد متوسط و درآمد بالا در دوره زمانی ۲۰۱۴-۱۹۹۰ مقایسه کرده‌اند. نتایج نشان داده است که در حالی که هم وجوه ارسالی خارجی و هم کمک‌های مالی خارجی بر رشد اقتصادی کشورها تأثیر قابل توجهی داشته‌اند؛ اولی تأثیری مثبت و دومی تأثیری منفی بر فرآیند کاهش فقر در دوره زمانی مورد مطالعه داشته‌اند. شواهد تجربی این مطالعه نشان داده‌اند از آنجا که وجوه ارسالی فواید متعددی را برای مردم فقیر به ارمغان آورده‌اند و متوالیاً شرایط اقتصادی و اجتماعی را در کشورهای مبدأ ارتقا داده‌اند، اهمیت این وجوه نباید تنها به رشد اقتصادی و کاهش فقر محدود شوند (Azam et al., 2016: 277).

آدامز^۲ (۲۰۰۴) در مطالعه خود با عنوان «وجوه ارسالی نقدی و فقر» تأثیر عمیق و شدید وجوه ارسالی داخلی و خارجی در کاهش فقر خانوارهای گواتمالایی را تصدیق می‌کند. وجوه ارسالی به‌طور میانگین فقر خانوارها را ۲۰ درصد کاهش می‌دهد. خانوارهای پایین‌ترین دهک‌های درآمدی ۵۰ تا ۶۰ درصد کل درآمد خود را از محل وجوه ارسالی تأمین می‌کرده‌اند. از محل تأمین وجوه ارسالی، وضعیت چنین گروه‌های فقیری به صورت رؤیایی دگرگون می‌شده است (Adams, 2004: 18-20). در مطالعه دیگری بر روی داده‌های ۷۱ کشور در حال توسعه نتایج نشان داده است که به‌طور میانگین به ازای هر افزایش ۱۰ درصدی در جمعیت مهاجران بین‌المللی یک کشور شاهد کاهش ۲۰۱ درصدی در جمعیت افرادی خواهیم بود که با سرانه کمتر از یک دلار در روز زندگی می‌کنند. همچنین به ازای هر ۱۰ درصد افزایش در وجوه نقدی ارسالی، ۳۰۵ درصد از سهم افرادی که در فقر زندگی می‌کرده‌اند کاهش می‌یافته است (Adams and Page, 2005: 1645).

چیف و ازدن^۴ در مطالعه خود دریافتند که اگر وجوه ارسالی به‌طور کامل قطع شود، ۱۱ تا ۱۴ درصد خانوارها به طبقه فقرا تنزل پیدا خواهند کرد (Schiff and Özden, 2005: 6-7). بررسی داده‌های مربوط به پیمایش ملی خانوارهای روستایی مکزیک نیز نشان داده است که وجوه ارسالی نقدی مهاجرت‌های بین‌المللی به نسبت وجوه ارسالی نقدی مهاجرت‌های داخلی تأثیر بیشتری در کاهش نابرابری و همچنین کاهش فقر در جوامع روستایی مکزیک داشته است؛ در عین این که این تأثیر با افزایش مهاجران بین‌المللی نیز افزایش می‌یافته است (Adams et al., 2008: 105). البته باید توجه داشت که لزوماً تأثیر وجوه ارسالی نقدی بر شاخص‌های سرمایه انسانی همگن نیست. مطالعه تأثیر وجوه نقدی ارسالی بر فقر و شاخص‌های سرمایه انسانی در یازده کشور آمریکای جنوبی نیز حاکی از نتایج مشابهی بوده است (Lopez et al., 2007: 32-33).

1. Azam

2. Adamz

3. Households

4. Schiff and Özden

تحلیل داده‌های اولین پیمایش وجوه ارسالی خانوارهای غنا (۲۰۱۳) نیز تأثیر این وجوه بر ابعاد فقر و سرمایه‌گذاری خانوارهای غنایی را نشان می‌دهد. این مطالعه سه یافته کلیدی را شامل می‌شده است: اول) خانوارها پس از دریافت وجوه ارسالی هزینه بیشتری برای خوراک صرف می‌کرده‌اند؛ دوم) خانوارهای دریافت‌کننده وجوه ارسالی، به نسبت قبل، هزینه بیشتری را برای سه کالای اساسی: تحصیلات، مسکن، و سلامت صرف می‌کرده‌اند؛ و سوم) وجوه ارسالی به میزان قابل توجهی احتمال فقر خانوارها را کاهش می‌دهد. فقر خانوارهای دریافت‌کننده وجوه ارسالی داخلی برابر ۱۷ درصد و فقر خانوارهای دریافت‌کننده وجوه ارسالی بین‌المللی به میزان خیره‌کننده ۹۷ درصد کاهش نشان می‌دهد. حجم وجوه ارسالی بین‌المللی ۳.۵ برابر وجوه ارسالی داخلی بوده است (Adams and Cuecuecha, 2013: 38).

نتایج مطالعه ای^۱ و همکاران (۲۰۲۰) در مورد نیجریه نیز نشان داده‌اند که وجوه ارسالی در تأمین امنیت غذایی کوتاه‌مدت و بلندمدت ارزشمند است و ابزاری واقعی برای تأمین امنیت غذایی خانوارها در زمان بحران‌های غذایی است. این امر به‌ویژه برای زنان سرپرست خانوار که در برابر ناامنی غذایی آسیب پذیرتر هستند بسیار مهم است. نتایج مطالعه ماندال و خانام^۲ (۲۰۱۸) مبتنی بر داده‌های ۸۴ کشور در حال توسعه نیز نشان می‌دهند که وجوه مهاجران بین‌المللی در کشورهای در حال توسعه دریافت‌کننده چه در کوتاه‌مدت و چه در بلندمدت، به‌طور قابل توجهی به رفاه خانوارها کمک کنند. یافته‌های این مطالعات، این دیدگاه که وجوه ارسالی نقدی باعث کاهش فقر و نابرابری می‌شوند را تأیید می‌کنند. البته باید در نظر داشت که مهاجرت‌های بین‌المللی گاهی می‌توانند نابرابری را تشدید کنند (Haller et al., 2018). به‌طور مثال، زمانی که شبکه‌های مهاجرتی کوچک و هزینه‌های مهاجرت بالا هستند، نابرابری تشدید می‌شود. زیرا تنها برترین‌های اجتماع امکان مهاجرت را پیدا می‌کنند. همان‌طور که مهاجرت رواج پیدا می‌کند، گسترده‌شدن شبکه مهاجرتی و کاهش هزینه‌های مهاجرت، تعداد بیشتری از افراد فقیر را قادر می‌سازد که مهاجرت کنند (Schiff and Özden, 2005: 7).

۲-۲) وجوه ارسالی و توسعه اقتصادی

با توجه به ادبیات موجود در حوزه وجوه ارسالی می‌توان دو مسیر اصلی که این وجوه باعث حرکت به سمت سطوح بالاتر توسعه اقتصادی می‌شوند را شناسایی کرد. اول) وجوه ارسالی وضعیت رفاهی دریافت‌کنندگان و وابستگان‌شان را بهبود می‌بخشند؛ و دوم) مهاجران با ارسال وجه، نقش واسطه‌های مالی را ایفا کرده، خانواده‌ها و کارآفرینان کوچک را قادر می‌سازند تا هنگامی که قصد دارند برای سرمایه‌انسانی و فیزیکی سرمایه‌گذاری کنند بر محدودیت‌های اعتباری و نقایص بازارهای مالی غلبه کنند. در چنین مواردی، وجوه ارسالی ممکن است به‌طور بالقوه به افزایش رشد اقتصادی بلندمدت کشور از طریق نرخ‌های بالاتر انباشت سرمایه کمک کند. بسیاری از مطالعات نشان می‌دهند که این وجوه تأثیر مثبتی بر توسعه اقتصادی کشورهای دریافت‌کننده آن‌ها دارند. به‌طور مثال، نتایج مطالعه آنیجا و پراوین^۳ (۲۰۲۲) نشان می‌دهد که یک رابطه بلندمدت یک‌طرفه بین وجوه ارسالی و رشد اقتصادی کرالا^۴ وجود دارد. همچنین، این مطالعه تأیید می‌کند که وجوه ارسالی در بلندمدت تأثیر مثبتی بر تولید خالص داخلی^۵ کرالا داشته‌اند. همچنین بررسی داده‌های ۲۰۰۱-۲۰۱۷ در ایتالیا همبستگی مثبت بین رشد تولید ناخالص داخلی و وجوه ارسالی را نشان می‌دهد (Tolmacheva, 2020).

1. Obi

2. Mondal and Khanam

3. Aneja and Praveen

4. Kerala

5. Net State Domestic Product

بررسی داده‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۵ در اوکراین نیز نشان می‌دهند که مهاجرت بین‌المللی بر پنج شاخص از هفت شاخص توسعه اقتصادی تأثیر مثبت داشته است (Adamyk, 2020). لئون-لدسما و پیراچا^۱ (۲۰۰۴) دریافته‌اند که وجوه نقدی ارسالی در ۱۱ کشور در حال گذار اقتصادی اروپای شرقی باعث بهبود وضعیت تولید و اشتغال شده است (Leon-ledesma and Piracha, 2004). میونداکا^۲ (۲۰۰۹) در مدل‌سازی نظری خود و آزمون این مدل با داده‌های آمریکای لاتین و کارائیب، تأثیر وجوه ارسالی نقدی کارگری را بر رشد اقتصادی تحلیل کرده است. نتایج مطالعه وی بدین شرح است: اول) وجوه ارسالی تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی دارند؛ دوم) وجوه ارسالی اگر برای تکنولوژی بلندمدت سرمایه‌گذاری شده یا در بخش سرمایه صرف شوند، تأثیر بزرگ و پایداری بر اقتصاد دارند؛ و سوم) اگر حجم وجوه ارسالی نقدی بسیار زیاد، و یا اقتصاد بسیار فقیر باشد اقتصاد می‌تواند رشد قابل توجهی را تجربه کند (Mundaca, 2009: 288-303).

گایولیانو و رویز-آرانز^۳ (۲۰۰۹) نیز در مطالعه داده‌های وجوه ارسالی نقدی به ۱۰۰ کشور در حال توسعه در دوره زمانی ۲۰۰۲-۱۹۷۵ چنین نتیجه‌گیری کرده‌اند که وجوه ارسالی به‌ویژه در کشورهای با سیستم‌های مالی کم‌عمق، می‌توانند باعث افزایش سرمایه‌گذاری شوند و از این طریق با افزایش متوسط سرانه تولید ناخالص داخلی، مقدمات بهبود رشد اقتصادی را فراهم آورند (Giuliano and Ruiz-). آگاروال^۴ (Arranz, 2009: 150) و همکاران (۲۰۱۱) با استفاده از داده‌های وجوه ارسالی به ۱۰۹ کشور در حال توسعه در دوره زمانی ۱۹۷۵-۲۰۰۷ به مطالعه رابطه بین وجوه نقدی ارسالی و ابعاد مالی توسعه پرداخته‌اند. آن‌ها چنین نتیجه‌گیری کرده‌اند که رابطه مثبت، معنادار و قوی بین وجوه ارسالی و توسعه مالی در کشورهای در حال توسعه وجود دارد (Aggarwal et al., 2011: 255-264). نشان داده‌اند که وجوه ارسالی باعث افزایش مشارکت نیروی کار و سرمایه‌گذاری‌های جدید در نیجریه شده است (Nwokoye et al., 2020).

بعضی از مطالعات نیز در مواردی که این وجوه نه در مصادیق تولیدی و به‌عنوان سرمایه‌ای برای توسعه اقتصادی بلکه عمدتاً برای غلبه بر مصائب زندگی به‌کار گرفته می‌شوند، برای آن‌ها تأثیر جزئی و یا حتی منفی بر اقتصاد را در نظر می‌گیرند (Piteli et al., 2002, Glytsos, 2005, Chami et al., 2019). البته باید توجه داشت که بستر فرهنگی کشورهای دریافت‌کننده در میزان این اثرگذاری مؤثر است. به‌طور مثال، مردمحوری^۵ و فاصله قدرت^۶ اثرات وجوه ارسالی را افزایش می‌دهند و اجتناب از ریسک‌پذیری^۷ و فردگرایی^۸ اثر این وجوه را کاهش خواهد داد. همچنین دولت‌ها می‌توانند تأثیر اقتصادی وجوه ارسالی را با بهبود چارچوب نهادی^۹، ترویج کارآفرینی و محدود کردن فساد تقویت کنند (Piteli et al., 2019: 12-13).

همان‌طور که دیدیم برخی از مطالعات تأثیر مثبت وجوه ارسالی را بر رشد اقتصادی تأیید می‌کنند و برخی دیگر این تأثیر را خنثی و یا حتی منفی می‌دانند. برای توضیح کاهش تأثیر وجوه ارسالی نقدی بر اقتصاد کشورها می‌توان از تئوری بیماری هلندی^{۱۰} در اقتصاد بهره

1. Leon-ledesma and Piracha

2. Mundaca

3. Giuliano and Ruiz-Arranz

4. Aggarwal

5. Masculinity

6. Power distance

7. Uncertainty avoidance

8. Individualism

9. Institutional framework

10. Dutch disease theory

برد. گوها^۱ (۲۰۱۳) در مطالعه خود اذعان کرده است که همان‌گونه که بیماری هلندی ممکن است در کشورهای دارای منابع طبیعی پدیدهٔ مصیبت منابع^۲ را در رشد اقتصادی این کشورها رقم زند، این بیماری ممکن است در کشورهای دریافت‌کنندهٔ این وجوه نیز با مکانیسم دیگری مسیر رشد اقتصادی را با اثر منفی مواجه کند (Guha, 2013). بیماری هلندی در اقتصاد بدین معناست که کشورهای غنی از منابع طبیعی، قادر به استفاده از ثروت خود برای افزودن بر فعالیت‌های تولیدی نخواهند بود و به جای آن، درآمدهای حاصل از این منابع در کنار یک سیستم سیاسی ناکارا (Auty, 2002: 7)، اغلب منجر به رشد فعالیت‌های غیرمولد و در نتیجه، وخامت در رشد اقتصادی خواهند شد.

اکوستا^۳ و همکاران (۲۰۰۷) در مطالعه خود بر روی داده آساوادور پیشنهاد کرده‌اند که رخداد بیماری هلندی وابسته به ناتوانی اقتصاد برای جذب این وجوه در بخش قابل تجارت بوده که منجر به افزایش سطوح مصرف و هدایت این وجوه به بخش غیر قابل تجارت و بسط بخش‌های غیرمولد اقتصاد می‌شود (Acosta et al, 2007). آمیدو-دورانتس و پوزو^۴ (۲۰۰۴) تأثیر وجوه ارسالی کارگران بر نرخ ارز واقعی سیزده کشور آمریکای لاتین و کارائیب را مورد مطالعه قرار داده‌اند و تأیید کرده‌اند که وجوه ارسالی از طریق افزایش نرخ ارز واقعی^۵، رقابت بین‌المللی را کاهش داده‌است (Amuedo-Dorantes and Pozo, 2004). لوپز^۶ و همکاران (۲۰۰۷) نیز با معرفی داده‌های گسترده‌تری از کشورهای آمریکای لاتین به نتیجه مشابهی دست یافته‌اند (Lopez et al., 2007).

حال این سؤال پیش می‌آید که جهت این تأثیر وابسته به چه عامل یا عواملی است؟ از نگاهی مهاجرانی که پول برای خانواده‌هایشان ارسال می‌کنند را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: مهاجران نوع دوست، و مهاجران خوددوست. مهاجران نوع دوست، پول بیشتری به خانه می‌فرستند چون خانواده‌هایشان در سختی است در حالی که مهاجران خوددوست به منظور سرمایه‌گذاری در دارایی‌های پر سود یا ایجاد کسب و کار در دوران رونق اقتصادی به خانه‌هایشان پول ارسال می‌کنند. مهاجران نوع دوست در کشور میزبان به صورت دائم اقامت گزیده‌اند در حالی که مهاجران خوددوست غالباً مهاجران موقت در کشور میزبان هستند.

لیم و سی‌بانت^۷ (۲۰۱۷) در مطالعه خود بر روی وجوه ارسالی وارد شده به پنج کشور از جنوب آسیا شامل بنگلادش، هند، نپال، پاکستان و سریلانکا در دورهٔ زمانی ۲۰۱۱-۱۹۷۵ نشان داده‌اند که وجوه ارسالی تأثیر مثبت بلندمدتی بر درآمدها داشته‌اند. هر یک درصد افزایش در وجوه ارسالی حدود ۰/۲۳ درصد افزایش در درآمد را باعث شده است. همچنین آن‌ها دریافته‌اند که مهاجرانی که افزایش دائمی در درآمد داشته‌اند، مصارف جاری خانواده را افزایش داده‌اند. در حالی که درآمدهای ناپایدار مهاجران موقت، سرمایه‌گذاری شده‌اند تا هنگامی که به خانه برگشتند، مولد درآمد آینده خانوار باشند. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این مهاجرت‌ها این است که مقدار قابل توجهی از وجوه واردشده به این کشور از جانب کارگران مهاجر کوتاهمدتی است که به‌طور موقت برای کار به خاورمیانه رفته‌اند. بنا بر فرضیه درآمد دائمی که به آن اشاره شد، خانواده‌های این مهاجران به دلیل افزایش درآمد موقت، وجوه ارسالی را پس‌انداز یا سرمایه‌گذاری می‌کنند. در نتیجه بر رشد اقتصادی افزوده می‌شود (Lim and C. BASNET 2017: 437-448).

1. Guha

2. Resource curse

3. Acosta

4. Amuedo-Dorantes and Pozo

5. Real exchange rate

6. Lopez

7. Lim and C. BASNET

۳-۲) وجوه ارسالی و آموزش

از آنجا که سرمایه انسانی یکی از ابعاد توسعه بوده و شکل‌گیری سرمایه انسانی نیز به‌طور مستقیم در ارتباط با آموزش است؛ پس بررسی اثرات وجوه حاصل از مهاجرت‌های بین‌المللی بر آموزش، برای چشم‌انداز توسعه‌ای کشورهای دریافت‌کننده دارای اهمیت به نظر می‌رسد. هانسون و وودراف^۱ (۲۰۰۳) از دیدگاه نظری، دو فرضیه را در باب مهاجرت‌های بین‌المللی و آموزش کودکان مطرح کرده‌اند. از نظر آن‌ها، از یک سو می‌توان انتظار داشت که مهاجرت‌ها دارای تأثیر منفی روی آموزش کودکان باشند (Murakami, 2021)؛ به این دلیل که غیبت اعضای خانوار باعث افزایش مسئولیت کودکان در امور خانواده می‌شود. از سوی دیگر این حقیقت که وجوه ارسالی توان خانوار برای هزینه در بخش آموزش را افزایش می‌دهد؛ می‌توان انتظار داشت که این وجوه دارای تأثیر مثبت بر آموزش کودکان باشند. نتایج مطالعه آن‌ها بر روی رفتارهای مهاجرتی خانوارها و دستاوردهای آموزشی در مکزیک حاکی از آن بود که کودکان خانوارهای دارای مهاجر، به‌طور معناداری سال‌های مدرسه‌روی بیشتری داشته‌اند. این تأثیر برای کودکان خانوارهای فقیرتر بیشتر بوده است (Hanson and Woodruff, 2003). همچنین آدامز (۲۰۰۴) در مطالعه خود بر روی خانوارهای گواتمالایی دریافت‌کننده وجوه ارسالی از ایالات متحده نتیجه‌گیری کرده است که خانوارهای دریافت‌کننده این وجوه به نسبت خانوارهای محروم از این وجوه، بخش بیشتری از درآمد خود را در حوزه آموزش، که یکی از ابعاد اساسی حرکت در مسیر توسعه است، هزینه می‌کرده‌اند (Adamz, 2004).

دیوریا^۲ و همکاران (۲۰۰۵) دریافته‌اند که افزایش دریافتی حاصل از وجوه ارسالی خانوارها بر کیفیت مدرسه‌روی اثرگذار است (Duryea et al, 2005). آکوستا و همکاران (۲۰۰۷) نیز در مطالعه خود بر روی یازده کشور آمریکای لاتین تأثیر وجوه ارسالی را بر آموزش مثبت یافته‌اند (Acosta et al, 2007). آموتیدو دورانتس (۲۰۱۰) نیز در مطالعه خود بر روی استفاده از وجوه ارسالی در آموزش کودکان در هایتی، چنین نتیجه می‌گیرد که وجوه ارسالی اثر مخرب منفی حضور افراد خانوار در خارج از کشور را بهبود می‌بخشد و با توجه به هزینه‌های قابل‌توجه تحصیل در هایتی، به انباشت سرمایه انسانی در حضور فقر شدید کمک می‌کند (Amuedo-Dorantes and Pozo, 2004). بردل^۳ (۲۰۱۱) نیز در مطالعه خود «مهاجرت، وجوه ارسالی و برآمدهای آموزشی: مورد هایتی» نتیجه‌گیری می‌کند که در عین این که وجوه ارسالی نقش مهمی برای خانوارهای فقیر برای غلبه بر محدودیت‌های مالی ایفا می‌کند، هیچ اثر منفی برای نقش سرپرست خانوار غائب روی مدرسه‌روی کودکان پیدا نشد (Bredl, 2011).

آکوستا (۲۰۱۱) با استفاده از داده‌های السالوادور و بینسی و جیانلی^۴ (۲۰۱۶) با استفاده از داده‌های ویتنام نشان داده‌اند که وجوه ارسالی می‌تواند باعث افزایش تحصیلات و کاهش کار کودکان شوند. کاسکا^۵ و همکاران (۲۰۱۳) در بررسی مهاجرت‌های بین‌المللی در مصر دریافته‌اند که هرچه احتمال دریافت وجوه بیشتر باشد، احتمال ثبت‌نام در مدرسه بیشتر می‌شود و سنی که بچه‌ها در آن وارد نیروی کار می‌شوند بالاتر است. ادواردز و اورتا^۶ (۲۰۰۳) در مطالعه خود درباره نقش وجوه ارسالی نقدی بین‌المللی بر مدرسه‌روی در السالوادور دریافته‌اند که وجوه ارسالی تأثیر معنادار و قابل‌توجهی بر تحصیل در مدرسه دارند. آن‌ها تخمین زده‌اند که تأثیر وجوه ارسالی بر

1. Hanson and Woodruff

2. Duryea

3. Bredl

4. Binci and Giannelli

5. Koska

6. Edwards and Ureta

کاهش خطر ترک تحصیل در مناطق شهری حداقل ۱۰ برابر تأثیر دیگر درآمدهای خانوارهاست. در مناطق روستایی این تأثیر حدود ۲۶ برابر است. همچنین یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد که تأمین مالی حضور در مدرسه به‌ویژه در مناطق فقیر و در خانوارهای با تحصیلات پایین، تأثیر بیشتری بر مدرسه‌روی و ادامه آن دارد (Edwards and Ureta, 2003).

۳) آورده‌های اجتماعی مهاجرت‌های بین‌المللی

آنچه در دوسویۀ مهاجرت و توسعه جای تأمل دارد رجحان آورده‌های اقتصادی، بر آورده‌های اجتماعی و فرهنگی است. در سال ۲۰۱۸ حجم وجوه ارسالی نقدی بین‌المللی به کشورهای با درآمد پایین و درآمد متوسط بیش از سه برابر میزان کمک‌های رسمی توسعه‌ای^۱ به این کشورها بوده است. با در نظر گرفتن این حجم ارسالات نقدی، بسیاری معتقدند که وجوه ارسالی نقدی راهی مهم به سمت توسعه است. اگرچه در بسیاری از موارد تفکیک آورده‌های مهاجرت‌های بین‌المللی به لحاظ اقتصادی یا اجتماعی بودن صرف، دشوار است؛ اما اقتصاد تمام داستان نیست. مهاجران حامل ایده‌ها و روایت‌هایی هستند که با تأثیرگذاری بر اجتماعات و فرهنگ مبدأ با اقتصاد رقابت می‌کنند. این آورده‌های اجتماعی می‌توانند فرهنگ و عملکردها را در سطوح ناحیه‌ای و ملی تحت تأثیر قرار دهند و بر قلمروهایی همچون سیاست، اقتصاد و مذهب تأثیر بگذارند. در سال‌های اخیر، مطالعات مهاجرتی علاوه بر بُعد اقتصادی وجوه ارسالی، بُعد اجتماعی وجوه ارسالی را نیز در برنامه کار خود قرار داده‌اند. در این دیدگاه تمرکز بر ابعاد فرهنگی و غیرمادی این پدیده است (Levitt, 2008, Levitt and Lamba-Nieves, 2011, Liao and Asis, 2020).

مفهوم وجوه ارسالی اجتماعی^۲ برای اولین بار توسط توسط پگی لویت^۳ (۱۹۹۸) عرضه شد. او قویاً معتقد بود که مهاجران چیزهایی بیشتر از پول و کالاهای مادی را به کشورهای خود می‌فرستند. از نظر او، وجوه ارسالی اجتماعی، اندیشه‌ها، رفتارها، هویت‌ها و سرمایه‌های اجتماعی هستند که بین جوامع فرستنده و میزبان مبادله می‌شوند و بر حیات اجتماعی و سیاسی در کشورهای مبدأ تأثیرگذارند. از نظر وی، وجوه ارسالی اجتماعی هرگز نباید به‌عنوان استعمار فرهنگی در نظر گرفته شوند؛ زیرا آن‌ها به‌طور منفعلانه و خام یاد گرفته نمی‌شوند بلکه در خلال تجربه‌های شغلی، وقایع زندگی و تعامل با فرهنگ‌های مختلف بسط داده می‌شوند (Levitt, 1998:926).

لویت و لامبا-نیوز^۴ (۲۰۱۳) در بررسی تأثیرات وجوه ارسالی اجتماعی بر غیرمهاجران در ناحیه بوکا کاناستا از جمهوری دومینیک دریافته‌اند که در طول زمان، مهاجران شروع به اعمال نفوذ، پیشنهاد و تأمین مالی پروژه‌هایی را می‌کرده‌اند که منعکس‌کننده نیازها و اولویتهای آن‌ها بوده است. غیرمهاجران نیز بسیاری از این ایده‌ها را می‌پذیرفته‌اند. آن‌ها بیش‌ازپیش اقتدار اخلاقی خود را به‌عنوان ساکنان دائمی جامعه خود و ذی‌نفعان اولیه پروژه‌های توسعه اجتماعی اعمال کرده و همچنین نگرانی‌های خود را بیان کرده و طرح‌های جایگزین نیز پیشنهاد می‌کرده‌اند (Levitt and Lamba-Nieves, 2013:12-20).

در مورد آورده‌های اجتماعی مهاجرت‌های بین‌المللی می‌توان نقش مهاجران ماهر بازگشتی به وطن را نیز مورد بررسی قرار داد. آن‌ها می‌توانند به‌طور مستقیم با انتقال سرمایه، دانش، مهارت‌های فنی و کارآفرینی و نوآوری باعث ارتقای سرمایه انسانی کشور خود شوند.

1. Official Development Assistance (ODA)

2. Social Remittance

3. Peggy Levitt

4. Levitt and Lamba-Nieves

کانوی^۱ و همکاران (۲۰۱۲) در رابطه با ارتباط مهاجرت و توسعه در مطالعه آورده‌های اجتماعی جوانان مهاجر بازگشتی تریاندایی و توباگویی دریافته‌اند که تعلق خانوادگی و غرور عمیق ناسیونالیستی به‌عنوان نیروهایی مؤثر، بسیاری از این جوانان بازگشتی به وطن را تشویق می‌کند که زمان، سرمایه اجتماعی و سرمایه انسانی خود را برای آوردن توسعه اجتماعی به وطن صرف کنند (Conway Potter and Bernard, 2012:189-209).

تأثیرات سیاسی مهاجرت نیز قابل بررسی است. کاپور^۲ می‌نویسد: موقعیت ساختاری و شاکله اجتماعی دایاسپورای^۳ هندی و مهاجران بازگشتی، انتشار ایده‌ها را افزایش داده و حتی وجوه اجتماعی ارسالی نقش مهم‌تری را به نسبت وجوه اقتصادی ارسالی در باز شکل‌دهی به سیاست‌های اقتصادی هند، ایفا می‌کند. همچنین مهاجران چه با بازگشت به کشور یا از راه دور، در ایجاد موازنه قدرت بین گروه‌های اجتماعی مختلف و تقویت و تضعیف نهادهای سیاسی ایفای نقش می‌کنند (Kapur, 2008: 367). مهاجرت با نفوذ در گرایش‌های فرهنگی و هنجارهای اجتماعی، زندگی سیاسی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. یافته‌های روتر (۲۰۰۹) در مطالعه‌اش بر مهاجران فلیپینی در کشور که به کشور خود بازگشته بودند نشان می‌دهد که مهاجرت گاهی اوقات باعث ایجاد رویکرد انتقادی نسبت به سیاست‌های وطنی می‌شود (Levitt and Lamba-Nieves, 2011: 11).

مطالعاتی نیز از تأثیرات مهاجرت‌های بین‌المللی بر پدیده‌های جمعیتی سخن گفته‌اند. فرانک^۴ (۲۰۰۵) در مطالعه خود درباره رابطه بین وجوه ارسالی و مرگومیر نوزادان در زنان مکزیکی که شرکای‌شان در خارج از کشور بوده‌اند دریافت که این زنان به نسبت آن‌هایی که شرکای‌شان در مکزیک هستند، به‌طور معناداری میزان پایین‌تر مصرف سیگار، ساعات بیشتر ورزش، و کسب وزن کافی در دوران بارداری داشته‌اند. همچنین آن‌ها با احتمال کمتری نوزادان‌شان را به تنهایی با شیر مادر تغذیه می‌کردند. او نتیجه‌گیری می‌کند که مهاجرت، رفتارهای مادری را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Frank, 2005). لیندستورم و موناز-فرانکو^۵ (۲۰۰۵) دریافته‌اند که زنان روستایی گوآتمالایی که وابستگی در شهر یا در خارج از کشور داشته‌اند، در مورد پیشگیری از حاملگی بیشتر می‌دانسته‌اند. ملاقات‌ها و رفت‌وبرگشت‌های مهاجران نیز اشاعه‌دهنده‌های بسیار قوی‌تری نسبت به رسانه‌ها و آموزش‌های عمومی سنتی بوده‌اند (Lindstrom and Muñoz-Franco, 2005). وجوه ارسالی حاصل از مهاجرت بر رفتارهای باروری و ازدواج نیز تأثیر داشته‌اند. یافته‌های فاراگویس (۲۰۰۶) نشان می‌دهد که نرخ مولید و وجوه مهاجرتی قویاً وابسته‌اند. در مراکش، ترکیه و گوآتمالا با افزایش وجوه ارسالی، نرخ مولید در خانوارهای مهاجران کاهش نشان می‌دهد است (Davis and Lopez-Carr, 2010, Adams et al., 2009).

البته نباید انتظار داشت که همه این آورده‌ها مثبت باشند. هیچ چیز نمی‌تواند تضمین کند که آنچه در جوامع میزبان آموخته می‌شوند، سازنده باشند یا دارای اثر مثبت بر جوامع مبدأ باشند (Levitt, 1998: 944). برخی از مطالعات نشان داده‌اند که این مهاجرت‌ها ممکن است با ترویج استراتژی‌های مصرف‌مبنا برای تحرک اجتماعی صعودی به جای رویه‌های تولیدمبنا همچون جستجوی شغل، و ایجاد گرایش‌های جدید در جوانان، توسعه را تحت تأثیر قرار دهند (Charsley, 2005). در مطالعه مهاجران دومینیکنی به آمریکا نویسندگان

1. Conway

2. Kapur

3. diaspora

4. Frank

5. Lindstrom and Muñoz-Franco

اذعان می‌دارند که بسیاری از مردم نگران‌اند که این مهاجران با ورود نگرش‌های آمریکایی به نواحی مبدأ باعث کم‌ارزش شدن خانواده و تقدیس مصرف‌گرایی شوند (Levitt and Lamba-Nieves, 2011: 34).

۳-۱) زنان و آورده‌های اجتماعی مهاجرت‌های بین‌المللی

برای جنسیت به‌عنوان سازه‌ای اجتماعی-فرهنگی، می‌توان نقش پررنگی در فرایند مهاجرت در نظر گرفت. مردان عمدتاً با انگیزه‌های اقتصادی دست به مهاجرت می‌زنند، اما نقش دلایل اجتماعی و فرهنگی در مهاجرت زنان پررنگ‌تر است. مهاجرت زنان می‌تواند راه‌حلی برای فرار از کنترل اجتماعی و تبعیض جنسیتی و همچنین پیش‌داوری‌های موجود در جوامع مبدأ باشد و نیز امکان اشتغال در کارهایی که به‌طور اجتماعی در جامعه مبدأ محدودیت داشته را فراهم کند (Gabasia, 2015 Rios, 2005, and Ortiz, 1996). Parrado, 2005: به نقل از صادقی و ولدوند، (۱۳۹۴).

هنجارهای جنسیتی و هنجارهای اجتماعی در مبدأ و مقصد، برآمد مهاجرت برای زنان و دختران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این زنان همزمان که از منافع مهاجرت بهره‌مند می‌شوند، با تبعیض‌ها و چالش‌های قابل‌توجهی نیز مواجه هستند. برای بسیاری از زنان، مهاجرت تجربه آزادی است (Ferran et al, 2014, Cortina et al, 2014). مهاجرت می‌تواند موجب توانمندی زنان شود، به زنان اجازه دسترسی به تحصیلات دهد، موجب ارتقای برابری‌های جنسیتی و افزایش قدرت تصمیم‌گیری آن‌ها شود. علاوه‌بر افزایش استقلال و عزت نفس و افزایش موقعیت اجتماعی زنان، مهاجرت همچنین می‌تواند زنان و دختران را با مهارت‌های جدید آشنا کرده و در نقش نان‌آور خانواده در کشوری دیگر، خانواده‌ها را با پول‌های ارسالی تأمین کند. این منبع جدید می‌تواند چرخه قدرت در داخل خانواده‌ها را تعدیل کند. مهاجران همچنین ممکن است اجتماع محلی خود را به پذیرفتن هنجارهای برابری‌طلبانه بیشتری حول تحصیلات، ازدواج، سطح باروری و نقش‌های جنسیتی ترغیب کنند.

نتایج مطالعه دیر و آوارادو^۱ (۲۰۱۶) در اکوادور نشان می‌دهد که فرآیندهای مهاجرت بین‌المللی ممکن است استقلال اقتصادی زنان را تقویت کند و برابری جنسیتی بیشتر را تسهیل کند. ویانلو^۲ (۲۰۱۳) در مطالعه زنان مهاجر اوکراینی به ایتالیا، اشکال مختلف وجوه ارسالی اجتماعی که آن‌ها به خانواده‌های‌شان در کشورشان انتقال داده‌اند را بررسی کرده است؛ افزایش حق زنان در خود-مراقبتی^۳ و خود-تحقق^۴، به رسمیت شناخته‌شدن الگوهای زندگی زنانه‌تر، سبک‌های متفاوت مصرف و مدیریت اقتصادی. این وجوه ارسالی اجتماعی نشان‌دهنده توان مهاجرت برای دگرگون کردن جنبه‌های مختلف فرهنگ جوامع محلی در مبدأ هستند. اگرچه به دلیل وجود کلیشه‌های جنسیتی، انتقال و پذیرش این اشکال آورده‌های اجتماعی مهاجرت با سرعت و به‌سهولت نخواهد بود. از نظر او زنان مهاجر، قدرتمندتر و مستقل‌تر خواهند بود و شکل جدیدی از هویت جنسیتی و زنانگی را انتقال خواهند داد (Vianello 2013: 91-98).

پدرازا^۵ (۱۹۹۱) در بررسی نتایج اجتماعی مهاجرت زنان نتیجه‌گیری می‌کند که تجربه مهاجرت دارای تأثیرات عمیقی بر زندگی‌های خصوصی و عمومی زنان، وضعیت شغلی آنان و مشارکت آن‌ها در امور اقتصادی خانواده‌های‌شان، نقش‌های خانوادگی‌شان و خشنودی‌شان، و استقلال و عزت نفس‌شان است. همچنین تجربه مهاجرتی زنان منافع متفاوتی برای آن‌ها به نسبت مردان رقم می‌زند.

1. Deere and Alvarado

2. Vianello

3. Self-care

4. Self-realization

5. Pedraza

او در بررسی‌های خود، زنان مهاجر ایرلندی در آمریکا را به نسبت دیگر زنان ایرلندی، تحصیل کرده‌تر، موفق‌تر و با ذوق‌تر خوانده است. همچنین او با استدلال به مطالعه ناسی فونرز (۱۹۷۸) تجربه زنان جامائیکایی ساکن در لندن را مثبت‌تر از مردان و همراه با شکستن نقش‌های سنتی و الگوهای وابستگی و همراه با ادعای آزادی می‌داند. به علاوه او در مطالعه مروری خود با اشاره به تحقیق پاتریکا پیزار (۱۹۸۴)، در مورد زنانی از جمهوری دومینیک که برای اولین بار و به منظور یافتن کار به آمریکا مهاجرت کرده بودند، تأثیر مهاجرت بر زنان را این‌گونه توصیف می‌کند: «نقش‌های پدرسالارانه در خانواده تغییر کرده‌اند، اعتماد به نفس زنان افزایش یافته است، ظرفیت آن‌ها برای مشارکت در تصمیم‌گیری خانوار افزایش یافته است، و آن‌ها درآمد بیشتری کسب کرده‌اند تا نقش واقعی خود را ایفا کنند. اگرچه اشتغال، موقعیت آن‌ها را به‌عنوان مادر یا همسر در نظر نمی‌گرفت، با این حال مهاجرت به آن‌ها نیرو می‌داد تا آن‌ها این هویت‌ها را به صورت رضایت‌بخش‌تری تعریف کنند.» (Pedraza 1991).

۳-۲) مهاجرت‌های بین‌المللی؛ فرار مغزها یا ارتقای مغزها؟

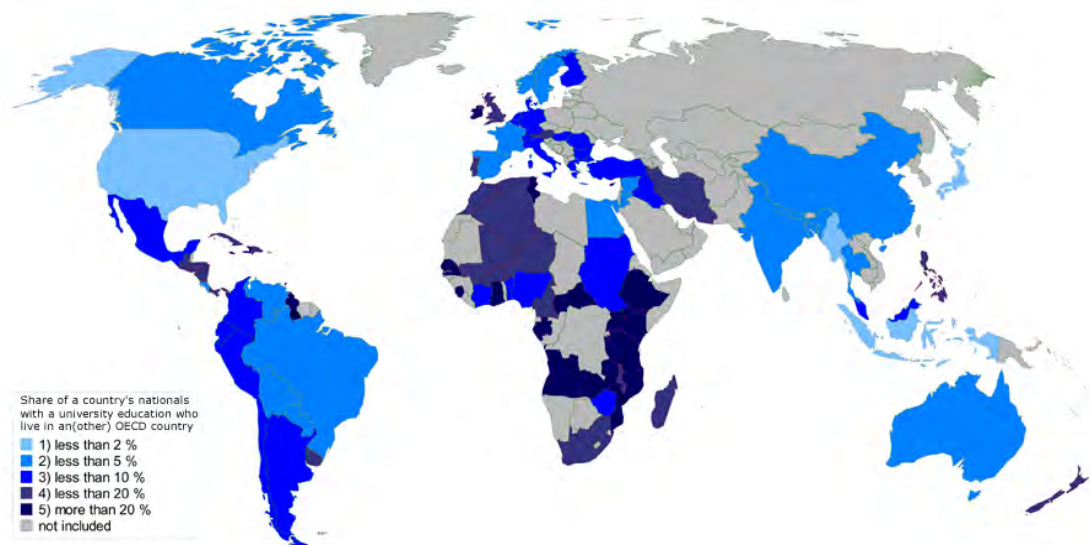
هنگامی که تعداد قابل‌توجهی از شهروندان تحصیل کرده کشورشان را ترک کنند معمولاً از این رخداد به‌عنوان پدیده فرار مغزها یاد می‌شود که حاصل آن، از دست رفتن سرمایه انسانی کشور و در بلندمدت نیز باعث کاهش رشد تولید ناخالص داخلی آن کشور می‌شود. گرچه هیچ سیستم بین‌المللی برای ثبت این نوع از مهاجرت‌ها وجود ندارد اما تحقیقات تجربی نشان می‌دهند که تعداد مهاجران افراد با مهارت از کشورهای در حال توسعه به کشورهای توسعه‌یافته در دهه‌های اخیر افزایش یافته است (Lowell and Findlay, 2001). به‌طور مثال آمارها نشان می‌دهند که در سال ۲۰۰۴، ۲۰ میلیون مهاجر متخصص در کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۲ زندگی می‌کرده‌اند که افزایش ۷۰ درصدی به نسبت به ده سال گذشته آن داشته است در حالی که تعداد مهاجران غیرمتخصص در این مدت افزایش ۳۰ درصدی را تجربه کرده‌اند (طیبی و همکاران ۱۳۹۰). در شکل (۳)، نقشه جهانی فرار مغزها آورده شده است. اطلاعات نشان‌دهنده درصدی از دارندگان مدارک دانشگاهی است که کشور را به مقصد کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی ترک کرده‌اند. بر این اساس، میزان خروجی دانش‌آموختگان دانشگاهی عمده کشورهای آفریقایی بیش از ۱۰ درصد است. لازم به ذکر است که این نرخ برای ایران نیز بیش از ۱۰ درصد است.

میلیون‌ها نفر از مهاجران بین‌المللی، افراد دارای تحصیلات بالایی هستند که از کشورهای در حال توسعه‌ای که از سطوح پایین سرمایه انسانی و کمبود نیروهای کار ماهر رنج می‌برند، به کشورهای توسعه‌یافته مهاجرت می‌کنند. از سوی دیگر، وجوه ارسالی نقدی و اجتماعی این مهاجران برای خانواده‌هایشان در کشورهایشان منافی از جمله افزایش درآمد خانوارها و کاهش فقر، توسعه اقتصادی به‌طور مستقیم و ارتقای توسعه اجتماعی به‌طور غیرمستقیم را به دنبال داشته است (راسامولیسون^۳ و همکاران، ۲۰۲۱). حال سؤال اینجاست که آیا مهاجرت نیروهای تحصیل کرده و ماهر لزوماً به معنای از دست رفتن منابع انسانی کشورهای مبدأ یا فرار مغزها است؟ و یا این که این نوع از مهاجرت‌ها می‌تواند در راستای توسعه کشورهای مبدأ، آورده‌هایی نیز برای این کشورها به همراه داشته باشند؟

1. Brain gain

2. Organization for Economic Co-operation and Development (OECD)

3. Rasamoelison



شکل ۳- نقشه جهانی فرار مغزها (درصدی از دانش‌آموختگان دانشگاهی که به کشورهای OECD مهاجرت کرده‌اند)
(Koc et al., 2017)

فرار مغزها را می‌توان به منزله نوعی پدیده یا مسأله اجتماعی تعریف کرد که در واقعیت روند توسعه ملی کشورهای در حال توسعه تبعات منفی و در شرایطی پیامدهای مطلوبی دارد. شرایط اجتماعی حاکم بر جوامع در حال توسعه و برخی از ضعف‌های علمی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن‌ها، پدیده فرار مغزها را به مسأله مهم اجتماعی تبدیل کرده و به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر روند پیشرفت و توسعه کشورهای تأثیرگذار بوده است (توکل و عرفان‌منش، ۱۳۹۴).

ارتباط بین فرار مغزها و توسعه را از جنبه‌های مختلفی می‌توان مورد بحث قرار داد. تأثیر فرار مغزها و مهاجرت بر اقتصاد میهم به نظر می‌رسد. از یک‌سو، مهاجرت نیروی کار می‌تواند باعث افزایش درآمد سرانه افراد شده و از طریق وجوه ارسالی احتمالاً رشد اقتصادی را باعث شود و از سوی دیگر، فرار مغزها می‌تواند توسعه اقتصادی را به تأخیر اندازد. دی ماریا و لازاروا^۱ (۲۰۱۲) با جمع‌آوری داده‌های ۱۳۰ کشور در دوره زمانی ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ نشان داده‌اند که ۷۰ درصد کشورها از کندی رشد اقتصادی به دلیل مهاجرت نیروی کار ماهر رنج می‌برند (Di Maria and Lazarova, 2012). جالب اینجاست که در سوی دیگر، مهاجرت‌های موقت از کشورهای جنوب آسیا به خاورمیانه همراه با افزایش درآمد و سرمایه‌گذاری خانوارها و احتمالاً ارسال تجربه و دانش به کشورهایشان قرار دارد (Lim and C. BASNET, 2017: 449).

فاکالر^۲ و همکاران (۲۰۱۹) در بررسی داده‌های مربوط به ثبت اختراعات صنعتی و مهاجرت در ۳۲ کشور اروپایی، به بررسی اثرات مهاجرت بر میزان ثبت اختراعات در کشورهای مبدأ پرداخته‌اند. آن‌ها نشان داده‌اند که مهاجرت‌های خارجی تأثیر مثبتی بر سهم نوآوری در کشورهای مبدأ داشته‌اند. کشورهایی که مهاجرت‌های خارجی را تجربه کرده‌اند، میزان ثبت اختراع بیشتری نیز داشته‌اند، و این

1. Di Maria & Lazarova

2. Fackler

مهاجرت‌ها باعث عدم‌توازن در سطوح نوآوری بین کشورهای پیشرفته و کمتر پیشرفته نشده است. همچنین آن‌ها نتیجه گرفته‌اند که جابجایی‌های بین‌المللی از طرقی همچون انتقال تدریجی دانش، تشکیل شبکهٔ مخترعان، و مهاجرت‌های بازگشتی باعث اشاعهٔ دانش و فناوری می‌شوند. اگرچه این مهاجران ماهر دیگر در کشور خود در حال نوآوری نیستند، اما در انتشار دانش و تکنولوژی در ورای مرزها مشارکت دارند. همچنین لی^۱ (۲۰۰۸) بر اساس داده‌های ۱۹ کشور عضو سازمان همکاری توسعهٔ اقتصادی *OECD* بیان می‌کند که جابجایی‌های بین‌المللی نیروی کار می‌تواند باعث انتقال تکنولوژی به فراسوی مرزها شود و این نشان می‌دهد که مهاجرت به احتمال زیاد باعث ایجاد «گردش مغزها»^۲ می‌شود تا «فرار مغزها».

در ادبیات نظری اخیر، مطالعاتی بر این باورند که امید به مهاجرت می‌تواند باعث احیای منابع انسانی و همچنین افزایش سرمایه‌گذاری در بخش آموزش در مبدأ شود؛ آنچه که می‌توان آن را ارتقای مغزها در کشورهای مبدأ نامید. بین^۳ و همکارانش (۲۰۰۸) در تحلیل مستندات ۱۲۷ کشور در حال توسعه شواهدی مبنی بر تأثیر مثبت مهاجرت نیروهای ماهر بر منابع انسانی یافته‌اند. آن‌ها دریافته‌اند کشورهایی که سطوح به نسبت پایین‌تر سرمایهٔ انسانی و میزان‌های پایین‌تر مهاجرت‌های خارجی را دارند، احتمال بیشتری می‌رود که از پدیدهٔ فرار مغزها منتفع شوند و برعکس (Beine et al, 2008: 648). از یک سو چنین مواردی را می‌توان نوعی یارانهٔ تحصیلی از طرف کشورهای مبدأ برای کشورهای مقصد در نظر گرفت؛ از سوی دیگر تحلیل‌هایی نیز مطرح‌اند که بر این نظر هستند که چنین فرصت‌هایی می‌توانند افراد غیرمهاجر را به تحصیلات تکمیلی و کسب مهارت علاقه‌مند کرده و باعث ارتقای مغزها، افزایش دستمزدها و کاهش بیکاری شوند. زیرا بسیاری از آنان در نهایت مهاجرت نکرده و در کشور خود می‌مانند و این فرایند باعث ارتقای منابع انسانی کشور مبدأ می‌شوند (Eggert, 2010: 345-362).

گرچه برخی از کشورهای مبدأ، کشورهای مقصد را به ایجاد نقصان در سطوح مهارتی خود متهم می‌کنند؛ اما مشخص نیست که تحت چه شرایطی مهاجرت‌های بین‌المللی باعث فرار مغزها و آسیب‌رساندن به توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی کشورهای مبدأ می‌شود، در حالی که میزان‌های بیکاری بالا و یا اشتغال با کیفیت پایین برای نیروهای ماهر در کشورهای مبدأ باعث هدررفتن مهارت‌ها و در نهایت، خسران و تباهی مغزها می‌شود. البته این بحث را می‌توان مطرح کرد که آیا وجوه ارسالی نیروهای ماهر بیش از هزینه فقدان آن‌ها در کشورهای خود است؟ به‌طور مثال در سال ۲۰۰۱، ضرر ناشی از مهاجرت‌های خارجی حداکثر ۰.۶ درصد تولید ناخالص داخلی هند برآورد شده است، در حالی که وجوه ارسالی نقدی این مهاجران ۲.۱ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور را تشکیل می‌دهد است (Kapur and McHale, 2001 and به نقل از 9: 2004: Holzmann and Münz).

بحث و نتیجه‌گیری

در بحث از ارتباط بین مهاجرت و توسعه می‌توان برای این دو مفهوم نوعی قرابت معنایی در نظر گرفت. همانگونه که توسعه به مفهوم گشودگی را می‌توان به‌عنوان افزایش انتخاب‌های نوع بشر در مسیر حیات و کمال خود دانست؛ تحرک و جابجایی انسان‌ها را نیز می‌توان مصداق قدرت انتخاب و آزادی نوع بشر در نظر آورد. اما این که چگونه می‌توان در هم آمیختگی‌های توسعه و مهاجرت را شفاف کرد، باید

1. Le

2. Brain circulation

3. Beine

گفت که مهاجرت انسان‌ها می‌تواند انواعی از سرمایه را اعم از اقتصادی، انسانی، اجتماعی و فرهنگی برای مهاجران و خانواده‌های‌شان و حتی کشورهای‌شان به ارمغان آورد. این سرمایه‌ها را می‌توان آورده‌های اصلی مهاجران در دوسویۀ مهاجرت و توسعه دید. به واسطۀ این سرمایه‌ها، مهاجرت‌ها می‌توانند با ایجاد تغییراتی در بسترهای اقتصادی و اجتماعی کشورهای مبدأ، تسهیل‌گر مسیر توسعه باشند. همان‌گونه که در این نوشتار مورد بررسی قرار گرفت؛ پژوهش‌های متعددی در سطح جهان دلالت بر آن دارند که علاوه بر انتفاع فردی مهاجران و خانواده‌های‌شان، مهاجرت‌های خارجی منافع متعددی را نیز برای کشورهای مبدأ به ارمغان می‌آورند. آورده‌های مهاجرت‌های بین‌المللی را می‌توان به دو دسته آورده‌های اقتصادی و آورده‌های اجتماعی تقسیم کرد.

از حیث آورده‌های اقتصادی همان‌طور که در خلال متن مشاهده شد، بسیاری از مطالعات (Ratha, D., 2013, Mohapatra S.,) و (Ratha, D., and Silwal, A., 2017, López-Córdova, E., 2005) اذعان دارند که وجوه نقدی ارسالی به کشورهای مبدأ تأثیر مثبتی بر توسعه اقتصادی کشورهای دریافت‌کننده آن‌ها دارند. زیرا از یک‌سو این وجوه وضعیت رفاهی دریافت‌کنندگان و وابستگان‌شان را، به‌ویژه با کاهش فقر و همچنین افزایش توان هزینه در بخش آموزش به‌عنوان یکی از ابعاد توسعه انسانی، بهبود می‌بخشند و از سوی دیگر، مهاجران با ارسال وجه، نقش واسطه‌های مالی را ایفا کرده، خانواده‌ها و کارآفرینان کوچک را قادر می‌سازند تا بر محدودیت‌های مالی در بخش سرمایه غلبه کنند. در چنین مواردی، این وجوه ارسالی می‌توانند با بهبود وضعیت تولید و اشتغال، به‌طور بالقوه به افزایش رشد اقتصادی بلندمدت کشور کمک کنند. البته باید توجه داشت که محدود مطالعاتی نیز تأثیر وجوه ارسالی بر رشد اقتصادی را خنثی یا حتی منفی می‌دانند زیرا آن‌ها معتقدند که غالب این وجوه نه در مصادیق تولیدی بلکه برای غلبه بر مصائب زندگی و اشکال مصرف به کار گرفته می‌شوند. آنچه که در اقتصاد به بیماری هلندی معروف است.

آنچه در دوسویۀ مهاجرت و توسعه جای تأمل دارد، رجحان آورده‌های اقتصادی بر آورده‌های اجتماعی و فرهنگی است. اگرچه بسیاری از مطالعات وجوه ارسالی نقدی را مهم‌ترین منبع اثرگذار در حرکت به سمت توسعه می‌دانند؛ اما اقتصاد تمام داستان نیست. در سال‌های اخیر مطالعات مهاجرتی علاوه بر بُعد اقتصادی آورده‌های مهاجرت‌های بین‌المللی، بُعد اجتماعی وجوه ارسالی را نیز در برنامه کاری خود قرار داده‌اند. نتایج این پژوهش‌ها حاکی از آن است که مهاجران چیزهایی بیشتر از پول و کالاهای مادی را به کشورهای خود می‌فرستند. مهاجران حامل ایده‌ها و روایت‌هایی هستند که با تأثیرگذاری بر اجتماعات و فرهنگ مبدأ و تسهیل توسعه اجتماعی، با اقتصاد رقابت می‌کنند. از نظر پگی لویت (۱۹۹۸) این نوع از آورده‌های مهاجرت هرگز نباید به‌عنوان استثمار فرهنگی در نظر گرفته شوند؛ زیرا آن‌ها نه به‌طور منفعلانه و خام، بلکه در خلال تجربه‌های شغلی، وقایع زندگی و تعامل با فرهنگ‌های مختلف آموخته، بازتولید و بسط داده می‌شوند.

وجوه ارسالی مهاجران می‌تواند اشکال جدید اندیشه‌ها، رفتارها، هویت‌ها و سرمایه اجتماعی باشند که بین کشورهای میزبان و کشورهای مبدأ مبادله شده و بر حیات اجتماعی و سیاسی کشورهای مبدأ تأثیر می‌گذارند. مهاجران بازگشتی می‌توانند به‌طور مستقیم زمان، سرمایه اجتماعی، و سرمایه انسانی خود را برای آوردن توسعه اجتماعی به وطن صرف کنند؛ یا با انتقال مستقیم دانش، مهارت‌های فنی و کارآفرینی و نوآوری باعث ارتقای سرمایه انسانی کشور خود شوند. همچنین مهاجران می‌توانند چه با بازگشت به کشور یا از راه دور، در ایجاد موازنۀ قدرت بین گروه‌های اجتماعی مختلف و تقویت و تضعیف نهادهای سیاسی ایفای نقش کنند. به‌عنوان یکی از جلوه‌های ویژه مهاجرت‌های بین‌المللی می‌توان به آورده‌های اجتماعی و فرهنگی این مهاجرت‌ها برای زنان اشاره کرد. مهاجرت می‌تواند موجب توانمندی زنان شود، به زنان اجازه دسترسی به تحصیلات دهد، موجب ارتقای برابری‌های جنسیتی و افزایش قدرت تصمیم‌گیری آن‌ها شود. علاوه بر افزایش استقلال و عزت نفس و افزایش موقعیت اجتماعی زنان، مهاجرت همچنین می‌تواند زنان و دختران را با

مهارت‌های جدید آشنا کرده و در نقش نان‌آور خانواده در کشوری دیگر، خانواده‌ها را با پول‌های ارسالی تأمین کند. این منبع جدید می‌تواند چرخه قدرت در داخل خانواده‌ها را تعدیل کند.

مهاجران همچنین ممکن است اجتماع محلی خود را به پذیرفتن هنجارهای برابری طلبانه بیشتری حول تحصیلات، ازدواج، سطح باروری و نقش‌های جنسیتی ترغیب کنند. گرچه مطالعاتی نیز به نگرانی‌های جوامع مبدأ از پیامدهای مهاجرت‌های بین‌المللی پرداخته‌اند. ترویج استراتژی‌های مصرف‌مبنا برای تحرک سعودی، به جای رویه‌های تولیدمبنا، ورود نگرش‌های غربی به کشورهای مبدأ و کم‌ارزش‌شدن خانواده و تقدیس مصرف‌گرایی، و همچنین مصادیق پدیده خسران مغزها و اتلاف توانمندی‌های نیروهای ماهر در کشورهای مقصد از جمله این نگرانی‌ها بوده‌اند.

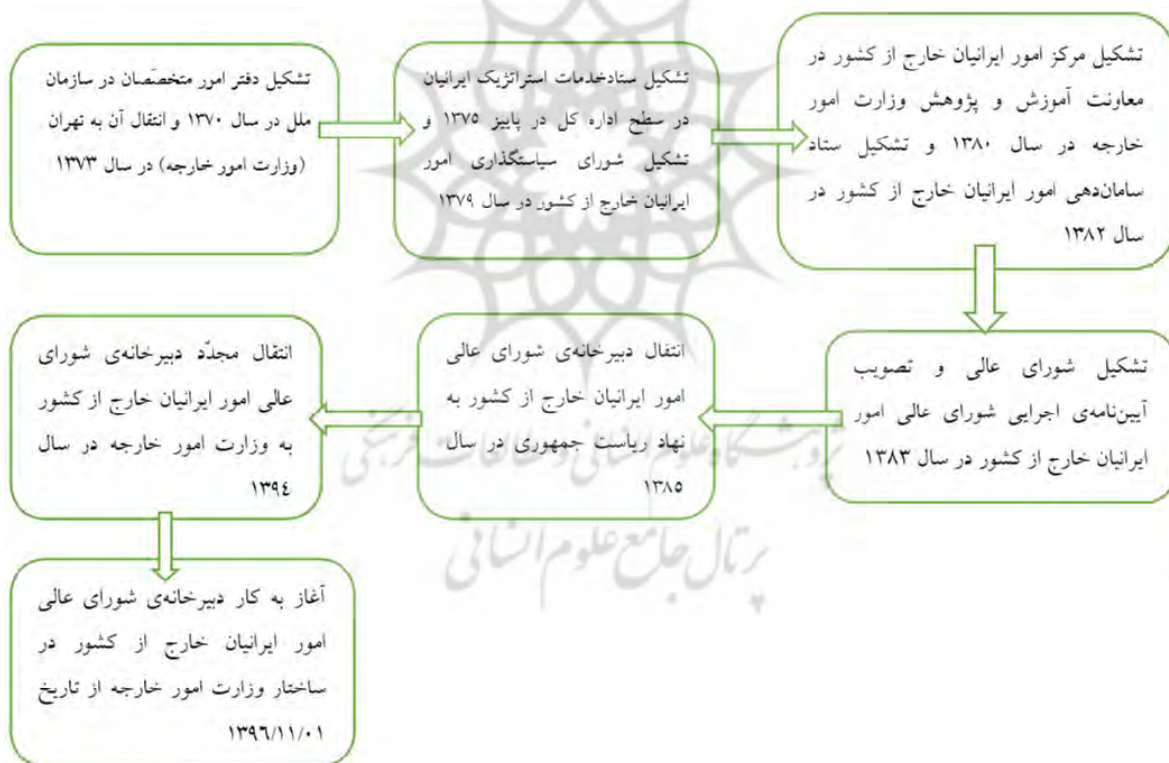
مسئله دیگری که در این نوشتار به بحث درباره آن پرداخته شد این موضوع بود که مهاجرت نیروهای تحصیل کرده و ماهر چه تأثیری در روند توسعه کشورهای در حال توسعه بر جای خواهد گذاشت. گرچه بسیاری بر این باورند که مهاجرت این نیروها باعث ازدست‌رفتن سرمایه انسانی کشورهای در حال توسعه شده و در بلندمدت توسعه اقتصادی و اجتماعی این کشورها را به تأخیر می‌اندازد. اما باید در نظر داشت که در بسیاری از موارد بسترهای اقتصادی و اجتماعی کشورهای مبدأ توان جذب چنین نیروهایی را ندارند و میزان‌های بیکاری بالا و یا اشتغال با کیفیت پایین از یک‌سو، و نارضایتی‌های اجتماعی و سیاسی از سوی دیگر باعث هدر رفتن مهارت‌ها و در نهایت خسران و تباهی این مغزها می‌شود. این در حالی است که مهاجرت‌های بین‌المللی می‌توانند باعث افزایش درآمد سرانه افراد شده و از طریق ارسال وجوه نقدی رشد اقتصادی را باعث شود. همچنین از طریق انتقال دانش و تکنولوژی باعث انتقال دانش و فناوری به کشورهای خود شوند، و یا این نوع مهاجرت‌ها آن‌هایی را که مهاجرت نکرده‌اند را به کسب تحصیلات تکمیلی و مهارت علاقه‌مند کرده و باعث ارتقای مغزها، افزایش دستمزدها و کاهش بیکاری در مبدأ شوند.

به‌عنوان مخلص کلام و با توجه به مستندات پژوهشی ارائه‌شده در متن می‌توان گفت که دنیای جهانی‌شده امروز، باعث تسهیل و ترویج جابجایی‌های فراملی برای انسان‌ها و جستجوی فرصت‌هایی شده است که در کشور خود از آن بهره‌مند نبوده‌اند. این مهاجرت‌ها می‌تواند افراد را توانمند کرده، موجبات توسعه خود و خانواده‌های‌شان را، و هم موجبات توسعه کشورهای‌شان را چه در بعد اقتصادی و چه در بعد اجتماعی فراهم آورد. گرچه در مواردی نیز چنین مهاجرت‌هایی ممکن است همراه با تبعات برای مهاجران و کشورهای‌شان باشد به‌طوری که سطوح توسعه مورد نظر را با تهدید روبه‌رو کرده و یا به تعویق اندازد. اما آنچه هویداست لزوم توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان کشورها به پدیده مهاجرت به‌عنوان مصداقی از آزادی انتخاب و حق انتفاع افراد و اجتماعات از این گزینه و مزایای آن در مسیر زندگی خویش است. دولت‌ها باید سیاست‌هایی را دنبال کنند که مخاطرات مهاجرت را کاهش و منافع آن را افزایش دهند. سیاست‌هایی که به دنبال کنترل یا محدود کردن تحرک‌های جمعیتی هستند ارتقادهنده توسعه نخواهند بود. به احتمال زیاد مهاجرت برای اکثر آن‌هایی که مهاجرت می‌کنند مسیری به سوی توانمندی است.

بررسی وضعیت مهاجرت از ایران نشان می‌دهد، بر اساس اطلاعات سازمان بین‌المللی مهاجرت، به دلیل فقدان اطلاعات معتبر و به‌روز، ارائه تخمین دقیق از تعداد ایرانیانی که به خارج از کشور مهاجرت کرده‌اند، دشوار است (International Organization for Migration, 2020). با این حال، منابع مختلف نشان می‌دهند که تعداد ایرانیان مقیم خارج از کشور قابل توجه است. برای مثال،

براساس گزارش مؤسسه سیاست مهاجرت^۱، در سال ۲۰۱۷ حدود ۱.۵ میلیون مهاجر ایرانی در ایالات متحده زندگی می‌کردند که آن‌ها را به دومین گروه مهاجر از خاورمیانه و شمال آفریقا تبدیل کرده است (Khajeh Hosseiny 2022). علاوه بر این، تخمین زده می‌شود بین ۴ تا ۶ میلیون نفر ایرانی در خارج از کشور زندگی می‌کنند که بیشترین جمعیت آن‌ها در ایالات متحده، کانادا، اروپا و استرالیا هستند. اکثریت ایرانیانی که به خارج از کشور مهاجرت کرده‌اند، افراد حرفه‌ای با تحصیلات عالی و ماهر هستند (The Washington Post، 2018).

بنابراین با توجه به حجم بالای ایرانیان خارج از کشور و همچنین با توجه به نتایج به‌دست‌آمده پیشنهاد می‌شود سازمانی در کشور به‌عنوان متولی پی‌گیری توانمندی‌های مهاجران ایرانی خارج از کشور تشکیل شود. لازم به ذکر است که در حال حاضر دبیرخانه شورای عالی امور ایرانیان خارج از کشور در زیرمجموعه وزارت امور خارجه وجود دارد ولی مشکل اساسی این دبیرخانه همان‌طور که در شکل (۴) نشان داده شده جابه‌جایی‌های پی‌درپی آن و عدم ثبات در انجام فعالیت است. ایراد دیگر این است که عمدتاً نگاه این دبیرخانه مربوط به مباحث ارتباطات سیاسی، حقوقی و امنیتی است و از این‌روست که زیرمجموعه وزارت امور خارجه است. در حالی که نوع نگاه به این شورا باید فراوزارتخانه‌ای بوده و مشابه یک سازمان زیرمجموعه مستقیم ریاست جمهوری عمل کند.



شکل ۴- پیشینه شکل‌گیری شورای عالی امور ایرانیان خارج از کشور (دبیرخانه شورای عالی امور ایرانیان خارج از کشور، ۱۳۹۸)

(<https://iranian.mfa.ir/portal/GeneralCategoryServices/11983>)

¹. Migration Policy Institute

لازم به ذکر است که بر اساس ماده ۳ «آئین‌نامه اجرایی شورای عالی امور ایرانیان خارج از کشور» کارگروه‌های هفت‌گانه تخصصی شامل کارگروه فرهنگی و رسانه‌ای، کارگروه حقوقی و قضایی، کارگروه همکاری‌های علمی و آموزشی، کارگروه اقتصادی و بازرگانی، کارگروه کنسولی، کارگروه علوم و فناوری‌های نوین و کارگروه دین و اندیشه باید فعال شوند (دبیرخانه شورای عالی امور ایرانیان خارج از کشور، ۱۳۸۶). این کارگروه‌ها، خصوصاً کارگروه اقتصادی و بازرگانی، فعالیت گسترده در حد مورد نیاز ندارند. از این رو باید حتماً به رصد توانمندی‌های فنی، مدیریتی و مالی مهاجران از کشور به سایر کشورها پرداخته و از این ظرفیت‌ها در راستای توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور بهره‌گیری کنند. همچنین پیشنهاد می‌شود سازمان برنامه و بودجه در برنامه‌های کشور با نگاه ویژه به توانمندی مهاجران ایرانی در کشورهای دیگر، برنامه دقیق و مشخص برای ایفای نقش این مهاجران در توسعه کشور طراحی و اجرا کند. همچنین دفتر امور بین‌الملل بنیاد ملی نخبگان نیز با نخبگان ایرانی خارج از کشور ارتباطاتی دارد ولی بر اساس شرح وظایف این دفتر عمده ارتباطات مرتبط با تبادلات علمی و پژوهشی است و توجه به توانمندی‌های اقتصادی و اجتماعی این نخبگان در شرح وظایف این دفتر نیست.

در نهایت پیشنهاد می‌شود همان‌گونه که «سازمان ملی مهاجرت» تشکیل شده که وظیفه آن «سیاستگذاری، راهبری، برنامه‌ریزی، نظارت و ساماندهی امور اتباع و مهاجران خارجی و پناهندگان و برقراری ارتباط مؤثر با نهادها و سازمان‌های بین‌المللی» است یک سازمان ملی مهاجران ایرانی نیز تشکیل شود که وظیفه آن «سیاستگذاری، راهبری، برنامه‌ریزی، نظارت و ساماندهی امور اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مهاجران ایرانی در سایر کشورهای جهان» با هدف کلان بهره‌گیری از توانمندی و تعیین نقش برای ایرانیان خارج از کشور در راستای توسعه ایران باشد. در جمع‌بندی از مقاله، پیشنهاد می‌شود مطالعات آتی به موضوعاتی نظیر: تأثیر برگشت درآمد مهاجران بر سرمایه‌گذاری در کشورهای مبدأ؛ پیامدهای اجتماعی و فرهنگی مهاجرت بین‌المللی بر کشورهای مبدأ؛ نقش مهاجرت بین‌المللی در شکل‌گیری الگوهای جمعیتی در کشورهای مبدأ؛ تأثیر مهاجرت بین‌المللی بر بازار کار و فرصت‌های شغلی در کشورهای مبدأ؛ پیامدهای سیاسی مهاجرت بین‌المللی بر کشورهای مبدأ؛ از جمله مسائل مربوط به حکومت و شهروندی؛ نقش سازمان‌ها و سیاست‌های بین‌المللی در پرداختن به پیامدهای مهاجرت بین‌المللی بر کشورهای مبدأ توجه نشان دهند و آن‌ها را مطالعه و واکاوی نمایند.

منابع

- توکل، محمد و عرفان‌منش، ایمان (۲۰۱۴). فراتحلیل کیفی مقالات علمی ناظر بر مسئله فرار مغزها در ایران. *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ۵(۱)، ۴۵-۷۵. <https://doi.org/10.22059/ijsp.2014.53754>
- دبیرخانه شورای عالی امور ایرانیان خارج از کشور (۱۳۸۶). آیین‌نامه اجرایی شورای عالی ایرانیان خارج از کشور، گزارش ۱۱۹۸۴. <https://iranian.mfa.ir/portal/GeneralCategoryServices/11984>
- دبیرخانه شورای عالی امور ایرانیان خارج از کشور (۱۳۹۸). پیشینه شکل‌گیری شورای عالی ایرانیان خارج از کشور، گزارش ۱۱۹۸۳. <https://iranian.mfa.ir/portal/GeneralCategoryServices/11983>
- شریفی، علی و زارع شاه‌آبادی، اکبر (۱۳۹۷). بررسی عوامل مؤثر بر گرایش روستاییان به مهاجرت شهری: مطالعه موردی بخش روستایی گاریزات استان یزد. *روستا و توسعه*، ۲۱(۲)، ۵۵-۷۴. <https://doi.org/10.30490/rvt.2018.77119>

- صادقی، رسول و ولدوند، لیلا (۱۳۹۴). جنسیت و مهاجرت: تحلیل جامعه‌شناختی تفاوت‌های جنسیتی در مهاجرت‌های داخلی در ایران. *پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر*، ۷(۴)، ۵۵-۷۸. https://csr.basu.ac.ir/article_1561.html
- طیعی، سیدکمیل؛ عمادزاده، مصطفی و رستمی حصوری، هاجر (۱۳۹۰). اثر فرار مغزها بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه. *پژوهش‌های رشد و توسعه‌ی اقتصادی*، ۱(۲)، ۷۱-۹۴. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.22285954.1390.1.2.3.3>
- Acosta, P. (2011). School attendance, child labour, and remittances from international migration in El Salvador. *Journal of Development Studies*, 47(6), 913-936. <https://doi.org/10.1080/00220388.2011.563298>
- Acosta, P. A., Lartey, E. K., & Mandelman, F. S. (2007). Remittances and the Dutch Disease, Federal Reserve Bank of Atlanta. Working Paper 8.
- Acosta, P., Fajnzylber, P., & Lopez, J. H. (2007). *The impact of remittances on poverty and human capital: evidence from Latin American household surveys*, 4247. World Bank Publications. <https://books.google.com/books?hl=en&lr=&id=FWauxKvQYmoC&oi=fnd&pg=PA2&dq=>
- Adams Jr, R. H. (2004). Remittances and poverty in Guatemala. Available at SSRN 625295. https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=625295
- Adams Jr, R. H., & Cuecuecha, A. (2013). The impact of remittances on investment and poverty in Ghana. *World Development*, 50, 24-40. <https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2013.04.009>
- Adams Jr, R. H., & Page, J. (2005). Do international migration and remittances reduce poverty in developing countries?. *World development*, 33(10), 1645-1669. <https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2005.05.004>
- Adams, R. H. de Haas, H. and Osili, U. (eds), (2009). *Migrant Remittances and Development: Research Perspectives*, Social Science Research Council. <http://docplayer.net/storage/107/178937418/1700640367/e2J0g3KJMHBP6LwjBIOInw/178937418.pdf>
- Adamyk, V. (2020). Modelling the impact of international migration on economic development of a country: case study of Ukraine. *Ekonomický časopis*. <https://www.cceol.com/search/article-detail?id=886239>
- Aggarwal, R., Demirgüç-Kunt, A., & Pería, M. S. M. (2011). Do remittances promote financial development?. *Journal of Development Economics*, 96(2), 255-264. <https://doi.org/10.1016/j.jdeveco.2010.10.005>
- Amuedo-Dorantes, C., & Pozo, S. (2004). Workers' remittances and the real exchange rate: a paradox of gifts. *World development*, 32(8), 1407-1417. <https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2004.02.004>
- Amuedo-Dorantes, C., Georges, A., & Pozo, S. (2010). Migration, remittances, and children's schooling in Haiti. *The Annals of the American Academy of Political and Social Science*, 630(1), 224-244. <https://doi.org/10.1177/0002716210368112>

- Aneja, R., & Praveen, A. (2022). International migration remittances and economic growth in Kerala: An econometric analysis. *Journal of Public Affairs*, 22(1), e2411. <https://doi.org/10.1002/pa.2411>
- Arslan, A., & Taylor, J. E. (2012). Transforming rural economies: migration, income generation and inequality in rural Mexico. *Journal of Development Studies*, 48(8), 1156-1176. <https://doi.org/10.1080/00220388.2012.682985>
- Auty, R. (2002). *Sustaining Development in Mineral Economies: The Resource Curse Thesis*. Routledge. <https://books.google.com/books?hl=en&lr=&id=uMCIAgAAQBAJ&oi=fnd&pg=PP1&dq=Aut>
- Azam, M., Haseeb, M., & Samsudin, S. (2016). The impact of foreign remittances on poverty alleviation: Global evidence. *Economics & Sociology*, 9(1), 264. https://www.economics-sociology.eu/files/23_185_Azam_Haseeb_Samsudin.pdf
- Beine, M., Docquier, F., & Rapoport, H. (2008). Brain drain and human capital formation in developing countries: winners and losers. *The Economic Journal*, 118(528), 631-652. <https://doi.org/10.14254/2071-789X.2016/9-1/18>
- Binci, M., & Giannelli, G. C. (2018). Internal versus international migration: Impacts of remittances on child labor and schooling in Vietnam. *International Migration Review*, 52(1), 43-65. <https://doi.org/10.1111/imre.122>
- Bredl, S. (2011). Migration, remittances and educational outcomes: The case of Haiti. *International Journal of Educational Development*, 31(2), 162-168. <https://doi.org/10.1016/j.ijedudev.2010.02.003>
- Cattaneo, C. (2009). International Migration, the Brain Drain and Poverty: A Cross-country Analysis. *World Economy*, 32(8), 1180-1202. <https://doi.org/10.1111/j.1467-9701.2009.01178.x>
- Chami, R., Fullenkamp, C., & Jahjah, S. (2005). Are immigrant remittance flows a source of capital for development?. *IMF Staff papers*, 52(1), 55-81. <https://doi.org/10.2307/30035948>
- Charsley, K. (2005). Unhappy husbands: Masculinity and migration in transnational Pakistani marriages. *Journal of the Royal Anthropological Institute*, 11(1), 85-105. <https://doi.org/10.1111/j.1467-9655.2005.00227.x>
- Clemens, M. A., Montenegro, C. E., & Pritchett, L. (2008). The place premium: wage differences for identical workers across the US border. *World Bank Policy Research Working Paper*, (4671). https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=1233047

- Conway, D., Potter, R. B., & Bernard, G. S. (2012). Diaspora return of transnational migrants to Trinidad and Tobago: the additional contributions of social remittances. *International Development Planning Review*, 34(2). <https://doi.org/10.3828/idpr.2012.12>
- Cortina, J., Taran, P., Elie, E., & Raphael, L. (2014). Migration and Youth: Challenges and Opportunities. Global Migration Group, United Nations Children's Fund. <https://policycommons.net/artifacts/2071983/migration-and-youth/2827281>
- De Haas, H. (2005). International migration, remittances and development: myths and facts. *Third world quarterly*, 26(8), 1269-1284. <https://doi.org/10.1080/01436590500336757>
- Deere, C. D., & Alvarado, G. (2016). Asset accumulation through international migration: gender, remittances, and decision making in Ecuador. *Latin American Research Review*, 51(4), 249-270. <https://doi.org/10.1353/lar.2016.0058>
- DeHaas, H. (2009). Human Development Research Paper 2009/01: Mobility and Human Development. *New York: UNDP*. <https://ora.ox.ac.uk/objects/uuid:abd7bd06-93d4-4ac4-8439-d3240df6f862>
- Desai, M. A., Kapur, D., & McHale, J. (2001, December). The fiscal impact of the brain drain: Indian emigration to the US. In Third Annual NBER-FCAER Conference. <https://citeseerx.ist.psu.edu/document?repid=rep1&type=pdf&doi=95d23ff045f48c6ab45c18371fd4bd9607d92c02>
- Di Maria, C., & Lazarova, E. A. (2012). Migration, human capital formation, and growth: An empirical investigation. *World Development*, 40(5), 938-955. <https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2011.11.011>
- Donato, K. M., & Gabaccia, D. (2015). *Gender and international migration*. Russell Sage Foundation. <https://www.russellsage.org/publications/gender-and-international-migration>
- Duryea, Suzanne, Ernesto López-Córdova, and Alexandra Olmedo (2005). "Migrant remittances and infant mortality: Evidence from Mexico." Unpublished manuscript. https://books.google.com/books?id=hDb0MWmV_iMC&pg=PA34&lpg=PA34&dq=Duryea,+
- Edwards, A. C., & Ureta, M. (2003). International migration, remittances, and schooling: evidence from El Salvador. *Journal of development economics*, 72(2), 429-461. [https://doi.org/10.1016/S0304-3878\(03\)00115-9](https://doi.org/10.1016/S0304-3878(03)00115-9)
- Eggert, W., Krieger, T., & Meier, V. (2010). Education, unemployment and migration. *Journal of Public Economics*, 94(5-6), 354-362. <https://doi.org/10.1016/j.jpubeco.2010.01.005>
- Fackler, T. A., Giesing, Y., & Laurentsyeva, N. (2019). Knowledge remittances: Does emigration foster innovation?. *Research Policy*, 103863. <https://doi.org/10.1016/j.respol.2019.103863>
- Faist, T., & Fauser, M. (2011). *The migration–development nexus: Toward a transnational perspective*, 1-26. Palgrave Macmillan UK. <https://doi.org/10.1057/9780230305694>

- Ferrant, G., Tuccio, M., Loiseau, E., & Nowacka, K. (2014). The role of discriminatory social institutions in female South-South migration. Retrieved on September, 10, 2020.
https://www.oecd.org/development/gender-development/SIGI%20and%20Female%20Migration_final.pdf
- Frank, R. (2005). International migration and infant health in Mexico. *Journal of immigrant health*, 7, 11-22. <https://doi.org/10.1007/s10903-005-1386-9>
- Giuliano, P., & Ruiz-Arranz, M. (2009). Remittances, financial development, and growth. *Journal of development economics*, 90(1), 144-152. <https://doi.org/10.1016/j.jdeveco.2008.10.005>
- Glytsos, N. P. (2002). The role of migrant remittances in development: Evidence from Mediterranean countries. *International migration*, 40(1), 5-26.
<https://doi.org/10.1111/1468-2435.00183>
- Guha, P. (2013). Macroeconomic effects of international remittances: The case of developing economies. *Economic Modelling*, 33, 292-305. <https://doi.org/10.1016/j.econmod.2013.04.016>
- Haller, A. P., Butnaru, R. C., & Butnaru, G. I. (2018). International migrant remittances in the context of economic and social sustainable development. A comparative study of Romania-Bulgaria. *Sustainability*, 10(4), 1156. <https://doi.org/10.3390/su10041156>
- Hanson, G. H., & Woodruff, C. (2003). *Emigration and educational attainment in Mexico*. Mimeo., University of California at San Diego.
<https://citeseerx.ist.psu.edu/document?repid=rep1&type=pdf&doi=b694f16783eaf9fa0e1b0f75174579645d3a0801>
- Holzmann, R., & Münz, R. (2004). *Challenges and opportunities of international migration for the EU, its member states, neighboring countries and regions: A policy note*. Institute for Futures Studies.
<https://documents1.worldbank.org/curated/en/158811468751785342/pdf/301600sp.pdf>
- Hondagneu-Sotelo, P. (1994). *Gendered transitions: Mexican experiences of immigration*. Univ of California Press.
<https://books.google.com/books?hl=en&lr=&id=KQAHbl06pIYC&oi=fnd&pg=PR9&dq=https://doi.org/10.1016/j.jinteco.2009.06.007>
- International Organization for Migration (2020). Iran.
<https://migrationdataportal.org/country/iran>
- Kapur, D. (2008, February). The political impact of international migration on sending countries. In *SSRC Conference on Migration and Development: Future Directions for Research and Policy*.
<https://citeseerx.ist.psu.edu/document?repid=rep1&type=pdf&doi=c5cd263b091d5d0316baa83433cb721ce303172c>

- Khajeh Hosseiny, M. (2022). Beyond a politics of integration: tactical cosmopolitanism among Iranian immigrants in Los Angeles (Doctoral dissertation, University of British Columbia). <https://dx.doi.org/10.14288/1.0417470>
- Koç, S., Öruç, E., & Anlar, A. (Eds.). (2017). *Economic Issues: Crises, Finance and Agriculture*. IJOPEC Publication. <https://books.google.com/books?hl=en&lr=&id=BHUYDwAAQBAJ&oi=fnd&pg=PA6&dq=K>
- Koska, O. A., Saygin, P. Ö., Çağatay, S., & Artal-Tur, A. (2013). International migration, remittances, and the human capital formation of Egyptian children. *International Review of Economics & Finance*, 28, 38-50. <https://doi.org/10.1016/j.iref.2013.05.006>
- Le, T. (2008). 'Brain drain' or 'brain circulation': Evidence from OECD's international migration and R&D spillovers. *Scottish Journal of Political Economy*, 55(5), 618-636. <https://doi.org/10.1111/j.1467-9485.2008.00468.x>
- León-Ledesma, M., & Piracha, M. (2004). International migration and the role of remittances in Eastern Europe. *International Migration*, 42(4), 65-83. <https://doi.org/10.1111/j.0020-7985.2004.00295.x>
- Levitt, P. (1998). Social remittances: Migration driven local-level forms of cultural diffusion. *International Migration Review*, 32(4), 926-948. <https://doi.org/10.1177/019791839803200404>
- Levitt, P., & Lamba-Nieves, D. (2011). Social remittances revisited. *Journal of ethnic and migration studies*, 37(1), 1-22. <https://doi.org/10.1080/1369183X.2011.521361>
- Levitt, P., & Lamba-Nieves, D. (2013). Rethinking social remittances and the migration-development nexus from the perspective of time. *Migration letters*, 10(1), 11-22. <https://www.cceol.com/search/article-detail?id=480209>
- Liao, K. A., & Asis, M. (2020). Back to the Philippines: Connecting aspirations, return and social remittances in international student migration. *Asian and Pacific Migration Journal*, 29(3), 402-421. <https://doi.org/10.1177/0117196820964999>
- Lim, S., & Basnet, H. C. (2017). International migration, workers' remittances and permanent income hypothesis. *World Development*, 96, 438-450. <https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2017.03.028>
- Lindstrom, D. P., & Muñoz-Franco, E. (2005). Migration and the diffusion of modern contraceptive knowledge and use in rural Guatemala. *Studies in family planning*, 36(4), 277-288. <https://doi.org/10.1111/j.1728-4465.2005.00070.x>
- Lopez, H., Bussolo, M., & Molina, L. (2007). Remittances and the real exchange rate. *World Bank Policy Research Working Paper*, (4213). https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=981304

- McAuliffe, M., & James, K. B. (2019), International Organization for Migration. 2019. "World Migration Report 2020." <https://doi.org/10.18356/9c7a02cd-en>
- McAuliffe, M., & Ruhs, M. (2017). World migration report 2018. Geneva: *International Organization for Migration*, 1-32.
https://publications.iom.int/fr/system/files/pdf/wmr_2018_en_chapter7.pdf
- Migration and Remittances: Recent Developments and Outlook. Migration and Development Brief 27, World Bank, Washington D.C.
<https://www.knomad.org/publication/migration-and-development-brief-27>
- Migration Data Portal. (2019). <https://migrationdataportal.org/themes/remittances>
- Mondal, R. K., & Khanam, R. (2018). The impacts of international migrants' remittances on household consumption volatility in developing countries. *Economic Analysis and Policy*, 59, 171-187. <https://doi.org/10.1016/j.eap.2018.07.001>
- Mundaca, B. G. (2009). Remittances, financial market development, and economic growth: the case of Latin America and the Caribbean. *Review of development economics*, 13(2), 288-303.
<https://doi.org/10.1111/j.1467-9361.2008.00487.x>
- Murakami, E. (2021). International migration and remittance effects on school enrolment of children staying behind: The evidence from Tajikistan. *International Journal of Educational Development*, 81, 102349. <https://doi.org/10.1016/j.ijedudev.2021.102349>
- Nwokoye, E. S., Igbunugo, C. I., & Dimnwobi, S. K. (2020). International migrant remittances and labour force participation in Nigeria. *African Development Review*, 32(2), 125-137.
<https://doi.org/10.1111/1467-8268.12421>
- Obi, C., Bartolini, F., & D'Haese, M. (2020). International migration, remittance and food security during food crises: the case study of Nigeria. *Food Security*, 12, 207-220.
<https://doi.org/10.1007/s12571-019-00990-3>
- Parrado, E. A., & Flippen, C. A. (2005). Migration and gender among Mexican women. *American sociological review*, 70(4), 606-632. <https://doi.org/10.1177/000312240507000404>
- PEW RESEARCH CENTER (2018). <https://policycommons.net/artifacts/617485/remittances-from-abroad-are-major-economic-assets-for-some-developing-countries/1598282/>
- Piteli, E. E., Buckley, P. J., & Kafouros, M. (2019). Do remittances to emerging countries improve their economic development? Understanding the contingent role of culture. *Journal of International Management*, 25(4), 100675. <https://doi.org/10.1016/j.intman.2019.05.002>

- Rasamoelison, J. D., Averett, S., & Stifel, D. (2021). International student-migrant flows and growth in low-and middle-income countries: brain gain or brain drain?. *Applied Economics*, 53(34), 3913-3930. <https://doi.org/10.1080/00036846.2021.1886237>
- Schiff, M. (Ed.). (2005). *International migration, remittances, and the brain drain*. World Bank Publications. <https://books.google.com/books?hl=en&lr=&id=khtB0xgugD8C&oi=fnd&pg=PT12&dq=Schiff>
- Scholten, P., Pisarevskaya, A., & Levy, N. (2022). An Introduction to Migration Studies: The Rise and Coming of Age of a Research Field. In *Introduction to Migration Studies: An Interactive Guide to the Literatures on Migration and Diversity*, 3-24. Cham: Springer International Publishing. https://doi.org/10.1007/978-3-030-92377-8_1
- Seidu, A., Onel, G., & Moss, C. B. (2022). Do international remittances accelerate out-farm labor migration in developing countries? A dynamic panel time-series analysis. *Journal of Agribusiness in Developing and Emerging Economies*, 12(1), 19-39. <https://doi.org/10.1108/JADEE-05-2020-0097>
- Sinatti, G., & Alvarez Tinajero, S. (2011). *Migration and Development: A Bottom-Up Approach*. A Handbook for Practitioners and Policymakers. <https://repub.eur.nl/pub/40440/>
- Skeldon, R. (2004). More than remittances: Other aspects of the relationship between migration and development. *Population Division of the United Nations*. <https://citeseerx.ist.psu.edu/document?repid=rep1&type=pdf&doi=41412cb7844d2cfabb1e977e243a9c37cf0431fe>
- Skeldon, R. (2008). International migration as a tool in development policy: a passing phase?. *Population and development review*, 34(1), 1-18. <https://doi.org/10.1111/j.1728-4457.2008.00203.x>
- Song, Q., & Liang, Z. (2019). Remittance behaviors of international migrants in comparative perspective: The case in Fujian, China. *International Migration Review*, 53(3), 930-955. <https://doi.org/10.1177/0197918318791499>
- The Washington Post (2018). Iran's brain drain: A look at those who left and those who stayed. https://www.washingtonpost.com/world/middle_east/irans-brain-drain-a-look-at-those-who-left-and-those-who-stayed/2018/05/18/5b6e5d3e-3c2d-11e8-955b-7d2e19b79966_story.html
- Tolmacheva, S. V. (2020). International migration & economic development: The case of EU countries. *Amazonia Investiga*, 9(27), 104-115. <https://doi.org/10.34069/AI/2020.27.03.11>
- UN DESA (United Nations Department of Economic and Social Affairs) (2018a) *International Migration Report 2017: Highlights*. New York: United Nations. <https://www.un.org/en/development/desa/population/migration/publications/migrationreport/docs/MigrationReport2017.pdf>

UN DESA (United Nations Department of Economic and Social Affairs) (2021). *International Migration 2021 Highlights*.

<https://www.un.org/en/desa/international-migration-2021-highlights>

United Nations (2019). International Migration. Department of economic and social affairs.

Vianello, F. A. (2013). Ukrainian migrant women's social remittances: Contents and effects on families left behind. *Migration Letters*, 10(1), 91-100.

<https://www.ceeol.com/search/article-detail?id=480270>

World Bank (2015). Migration and development brief 24. Migration and Remittances Team, Development Prospect Group.

<https://www.knomad.org/publication/migration-and-development-brief-24>

World Bank 2016 Migration and Development. A Role for the World Bank Group. World Bank, Washington, D.C.

<http://documents.worldbank.org/curated/en/690381472677671445/Migration-and-development-a-role-for-the-World-Bank-Group>

